

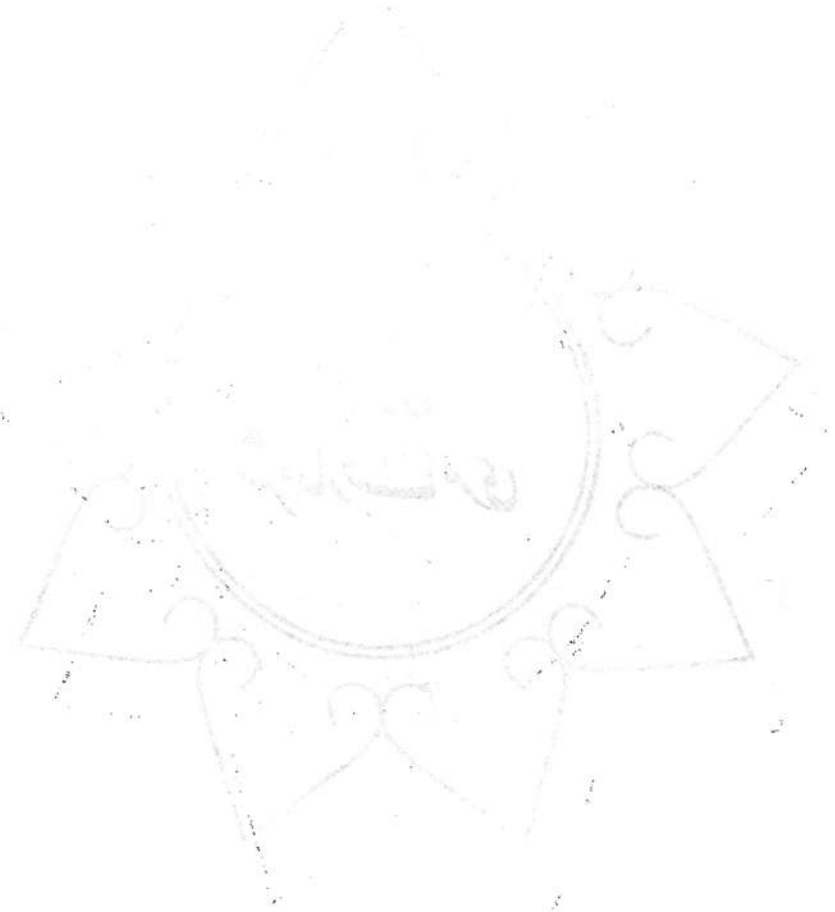


شماره ۳۶

مؤسسه ملی مطبوعات امری

۱۳۱ بدیع

- ۱- مناجات موالله ای پروردگار این جمع...
- ۲- آثار مبارکه حضرت ولّی امرالله می فرمایند :
" ما که سالکان"
- ۳- کلمات مکنونه
- ۴- تاریخ شرح حیات حضرت ولّی امرالله
- ۵- اصول اعتقادات دلایل اثبات خدا
- ۶- حیوة بهائی گامهائی بسوی کمال
- ۷- عهد و میثاق عهد و میثاق خاص
- ۸- تقسیمات تاریخ امر
- ۹- معرفی آثار مبارکه حضرت ولّی امرالله آثار فارسی
- ۱۰- راهنمای زندگی ازدواج هیکل مبارک
- ۱۱- زبان عربی



ای پروردگار این جمع محض محبت به این محفل آمدند و با کمال حب و وفای حاضر شدند. خدایا رویها را منور کن ارواح را ببشارت کبری مستبشر فرما چشمها را به مشاهده آیات هدی روشن کن و گوشها را به استماع ندای اَحلی مُلتدّ فرما. پروردگار! خطا کاریم تو مغفرت کن. گناه کاریم تو عفو فرما. در پناه خود پناه ده. نقصان را به غفران کامل کن. این نفوس را از عالم اوهام برهان و به حقیقت دلالت بنما. تا تحری حقیقت کنند. از عالم ناسوت دور شوند و به عالم ملکوت نزدیک گردند. از جهان ظلمانی به فضای نورانی درآیند. از ظلمات امکان برهان. بانوار لامکان منور فرما. مظاهر انوار کن و مطالع اثمار نما. از غیر بیزار فرما و مطلع بر اسرار نما.

ای پروردگار تو آمرزگاری و دانای تو بخشنده ای و توانا و تویی قادر و بینا. ع ع

ص ۹۲ مجموعه مناجات حضرت عبد البهاء

حضرت ولی امرالله میفرمایند : ... ما که سالکان سبیل نجاتیم باید بتمام قوی بکوشیم تا در مجالسات و مکالمات و معاملات و مشاغل و مقاصد مان باتمام طبقات نفوس در امور جزئی و کلی در هر دقیقه و آنی آن روح مودعه در تعالیم حضرت بهاءالله را بفعل، اظهار و اعلان و اثبات کنیم و چنان جلوه نمائیم که برکسل ثابت گردد که جز قوه جامع روح حضرت بهاءالله هیچ امری دیگر تقلیب ماهیت ننماید و خلق جدید نکند. اینست یگانگی اسباب نجات و ظفر امر الهی ...

ص ۲۳۱ آهنگ بدیع سال ۲۵ شماره ۹-۱۰

حضرت ولی امرالله میفرمایند :

" شاید بزرگترین امتحانی که افراد بهائی بایستی بگذرانند در نحوه رفتار با بهائیان دیگر است ولی بخاطر حضرت مولی - الوری آنها بایستی همیشه آماده باشند که خطاهای یکدیگر را ببخشند و برای سخنان در رشتی که ادا کرده اند معذرت بخواهند ببخشند و فراموش کنند ..."

نمونه حیات بهائی ص ۳۰

ای فرزند کنیز من

لا زال هدایت باقوال بوده و این زمان بافعال گشته یعنی باید
 جمیع افعال قدسی از هیکل انسانی ظاهر شود چه که دراقوال
 کل شریکند و لکن افعال پاک و مقدّس مخصوص دستان ما است
 پس بجان سعی نمائید تا بافعال از جمیع ناس ممتاز شوید کذلک
 نَصْحَانَاکُمْ فِی لَوْحٍ قُدُسٍ مُنیرٍ .

لا زال : همیشه

اقوال : سخن ها ، گفتارها

کذلک نَصْحَانَاکُمْ فِی لَوْحٍ قُدُسٍ مُنیرٍ : این چنین نصیحت می کنیم
 شما را در لوح پاک درخشان .

حضرت عبد البهاء میفرمایند :

یاران الهی باید بموجب وصایا و نصایح نور حقیقت جمال قدم
 رُوحی لِعَتَبَتِهِ الْفِدَاءُ قیام کنند و یک یک را بموقع اجراء گذارند نه
 اینکه مجرد بخوانند و مودع اوراق و الواح گذارند باید اوامر
 روحانیه و جسمانیه اسم اعظم رُوحی لِتَرْبُتِهِ الْفِدَاءُ در حیز شهود
 جلوه نماید و در احوال و اطوار یاران الهی مجسم و مصوّر گردد
 و الا چه ثمری و چه اثری . . . " اخلاق بهائی ص ۱۶

رُوحی لِعَتَبَتِهِ الْفِدَاءُ : روح من فدای درگاه او باد

رُوحی لِتَرْبُتِهِ الْفِدَاءُ : روح من فدای مدفن او باد

حیز شهود : عالم قابل مشاهده

تاریخ : شرح حیات حضرت ولّی امرالله (ازدواج هیکل مبارک)

حضرت ولّی امرالله در سال ۱۹۳۷ مطابق ۱۳۱۶ شمسی با
 اَمَّةُ الْبِهَاءِ روحیه خانم باسادگی و روحانیت و مراسمی ملکوتی عقد
 اقتران بستند . ایشان فرزند مستر سادرلند ماکسول و اَمَّةُ الْبِهَاءِ
 می بولز بودند . مادرشان جزء اولین زائرین غرب سال ۱۸۹۸-
 ۱۸۹۹ در عگا بشرف زیارت حضرت مولی الوری فائز گردیدند .
 اولین بهائی قاره اروپا بودند و مادر روحانی جامعه بهائی
 فرانسه و کانادا بشمار میروند . و بینهایت مورد لطف و عنایت
 وجود مبارک بودند . یقین است که سادگی ازدواج مبارک که عین
 ازدواج حضرت عبد البهاء در زندان عگا بود شایسته آنست که
 بسیاری را بفکر اندازد و سرمشقی کامل برای جمیع یاران شود .

"بعد از انجام اقتران مبارک ، تلگراف ضیائیه خانم مادر هیکل
 مبارک در آن ایام باحتیای شرق و غرب واصل شد و احبا مجالس
 جشن و سرور برپا داشتند و به حامد و نُعُوت مولای مهربانان
 پرداختند . . . " ص ۶ جزوه شرح حیات حضرت ولّی امرالله

"حضرت روحیه خانم دارای تحصیلات عالی و آثار گرانبھائی
 هستند . کتاب دستور العمل زندگانی از آثار باهره ایشانست .
 . . . خواندن این کتاب بهمه احبب واجبست . حضرت اَمَّةُ الْبِهَاءِ
 دارای طبع شعر هستند و اشعار ایشان بی نهایت سلیس و روان
 و در غرب مشهور است . فارسی را تکلم میفرمایند و مینویسند . مقام

علمی ایشان، ذکاوت فطری ایشان و سایر مآثر و آثارشان واضح و معلوم عند العموم است. مدت ۲۰ سال در ظل هدایت و عنایت هیکل مبارک بخدمات آستان مقدس مألوف بودند و از طرف هیکل مبارک بلقب امة البهاء ملقب شدند و بمقام ایادی امرالله ارتقاء یافتند و با کمال سرور و نشاط روحانی میزیستند تا آنکه صعود هیکل مبارک واقع شد. پس از آنهم آثار باهره خدمات ایشان را بامر مبارک همه دیده و مشاهده کرده و می کنید.

جزوه شرح حیات حضرت ولی امرالله ص ۲۷ و ۲۸

توسعه بین المللی خدمات تبلیغی و انتشار امرالله در عالم:

هنگامی که نظم اداری امر روبرو بسط و ارتقاء میرفت و استقلال و اصالت این نظم از جانب دشمنان امر تصدیق و از طرف یاران تحکیم میگردد، تحوّل عظیم دیگری در امر رخ گشود و آن توسعه نطق دیانت بهائی و تزئید عدد مؤمنین و تکثیر مراکز اداری و اشاعه آثار در اقصی نقاط جهان بود و ثابت گردید که نفس اجرای این نظم خود محرک امر تبلیغ است. با توجه به بشارات حضرت اعلی (۱) و اوامر حضرت بهاء الله و فرامین تبلیغی حضرت

(۱) از جمله در کتاب قیوم الأسماء اهل غرب را بترک اوطان و تفرّق در دیار جهت نصرت امرالله و ابلاغ کلمه الله امر می فرماید.
قوله العزیز: "یا اهل المغرب اخرجوا من ديارکم لِنصرتِ الله"
(ای اهالی غرب از دیارتان برای یاری خداوند خارج شوید.)

عبدالبهاء یاران الهی بنهایت همت و اتحاد و وحدت قیام نمودند و بنشر تعالیم ربّانی در شرق و غرب عالم پرداختند و بمؤقتتبی رسیدند که اثرات و نتایج آن از مهمترین حوادث تاریخی قرن اول بهائی محسوب است. امر خطیر تبلیغ که در آغاز بنحو فردائی و غیرمنتظم صورت می گرفت، در اثر ظهور و پیدایش نظم اداری تمرکز و تقرّر پذیرفت و بصحت و تقدّم بسیار حاصل نمود و انتصارات عظیمه برای امرالله بدست آمد. رؤوس این انتصارات و فتوحات درخشانه قرن اول بهائی عبارتند از:

الف- "امر اعظم که انتشارش در دوره اولی منحصر باقلیم ایران و ارض عراق بود و در ایام قیادت جمال ابهئی بوده اقلیم از اقلیم شرقیه سرایت نموده بود و در عهد مرکز میثاق رایتش در بیست مملکت از ممالک شرقیه و غربیه مرنفع گشته بود، حال دائرهای بهمت رسولان اسم اعظم و ثابتین بر عهد اقوام چنان اتّساعی یافت که قبل از اختتام قرن اول انجم و شش مملکت از ممالک مستقلّه در شرق و غرب عالم و بیست و دو اقلیم تابعه در قاره امریک و آسیا و آفریک مسخر..."

ص ۱۶۵ لوح قرن (توقیع نوروز ۱۰۱ بدیع)

این فتوحات عظیمه در اثر ایراد نطق و ابلاغ کلمه الله بوسیله مطبوعات و راه یو و تأسیس کلاسهای مطالعه و تربیت مبلغ و معاضد و همکاری با انجمنهای خیریه و انتشار کتب و الواح و مذاکره با

رجال مهبط ارض و . . . حاصل گردید و آنچه پیش از هر مورد موجب حصول چنین نتایجی گردید مراتب استقامت و جانفشانی و همت بی نظیر مهاجران و مهاجرات عزیز بود که بمنظور فتح اقالیم و اعزاز امر در نقاط مختلفه عالم متوطن گشتند .

ببر اقدامات و مجهودات مخصوصی از طرف یاران و جوامع بهائی بمنظور ایجاد تماس با اجناس و نژادها و اقلیت ها در قسمتهای مختلف عالم صورت گرفت که نفوس بسیاری از آنان مانند یهودیان و سیاهان و سرخ پوستان بومی در آمریکا ، اسکیموها در آلاسکا و مائوریها در زلاند نو . . . در ظل امرالله وارد گشتند . یکی از موهبتاتی که در پیشرفت امر دارای اهمیت و ارزش فراوان بود هاست دفتر بین المللی بهائی در ژنو است که ذکر آن از قبل گذشت .

ج - همزمان با توسعه تدریجی امرالله و ورود اقوام و ملل متنوع در ظل شریعت الله انتشار آثار امریه نیز گسترش عظیم حاصل نمود . آثار مبارکه که در زمان حضرت عالی و حضرت بهاء الله بدو زبان اصلی عربی و فارسی محدث بود و در اواخر ایام حضرت بهاء الله معدودی از آنها طبع و منتشر گشته و بعداً در عهد میثاق به زبان ترجمه گردیده بود در عهد اول عصر تکوین ، کتب و رسائل و مجلات و اوراق امری به بیست و نه زبان دیگر انتشار یافت . کتب مزبور اغلب در اثر اقدام افراد بهائی و قسمتی توسط محافل

روحانیه طبع و توزیع گردیده و در کتابخانه های خصوصی و عمومی در شرق و غرب نهاده شد .

انتشار کتب و صحف الهیه در اقالیم و نقاط بعیده و قرار گرفتن آنها در دسترس عامه مردم از طبقات و مسالک و مذاهب مختلفه جامعه بسیار شایان توجه است و اکثراً بهمت مهاجرین صورت گرفت . "نوشتن و نشر کتب و آثار امریه دائماً" مورد علاقه شدید وجود مبارک بود . در این سبیل هر چه اقدام میفرمودند هرگز خسته نمیشدند و دائماً حامی این شعبه از خدمات بودند و آنرا همه جا و همه وقت حمایت فرمودند . البته بهترین طریق آنست که محافل محلیه و ملیه خود پشتیبان نشریات باشند و در این باب بکوشند که رفع حوائج ضروری یاران را بنمایند . ولی ایشان کاملاً میدانستند که در این دوره تکوین ، جمیع مراکز امریه بایستی از مرکز جهانی معاونت شوند . گوهر یکتا ص ۲۴۷

هیكل مبارک از آغاز ولایت امر طبع و نشر آثار را مورد توجه خاص قرار دادند و در مدت سی و شش سال تدبیرات مختلفه بکار بردند که کتب امری به بسیاری از السنه طبع و نشر گردید .

از جمله اقدامات مهمه که در این سبیل صورت گرفت عبارتند از : انتشار مجموعه بیانات منتخبه از مهترین انواع و آثار حضرت بهاء الله به انگلیسی ، ترجمه لوح ابن ذئب و مناجات و ادعیه منزله از قلم اعلی به همان زبان ، ترجمه و نشر کلمات مکتوبه به هشت زبان

و ترجمه تاریخ نبیل، مفاوضات، ایقان، الواح حضرت عبد البهاء
و تألیف رسائل و کتب مختلفه در شرح تعالیم بهائی و مؤسّسات -
اداری و مسائل عمومیّه از قبیل تاریخ تطبیقی ادیان توسط
نویسندگان غربی و موارد بسیار دیگر و نیز از مجموعه عالم بهائی
که به همت هیکل مبارک و یاری لجنه مربوطه در امریکا اساس آن گذاشته
شد، باید نام برد .

"مطالعه آثار و چگونگی انتشار آن رسنین اخیره قرن اول بهائی
کامل نخواهد شد مگر از تألیفی (۱) که بقلم ناشر نجات الهی و -
منادی امریزدانی جناب ج ۱۰، اسلمونت نگارش یافته و ذکرش الی
الابد زنده و جاویدان است یاد گردد . و نفوذ عظیمی که این سفر
جلیل در انتشار امرالله و ابلاغ کلمه الله از خود باقی گذاشته مذکور
آید" . ص ۱۸۶ قرن بدیع قسمت چهارم

ملکه رومانیآ آنرا: "کتاب عظیم محبت" خوانده است. این
کتاب به لغات مختلفه عالم ترجمه گشت و بارها تجدید چاپ
گردید .

تأسیس مؤسسه مطبوعات ملی بهائی در انگلستان که بنام
"شرکت نشریات بهائی" به ثبت رسیده، نیز اقدام مهمی در سبیل
انتشار آثار بشمار میرفت .

این مبحث کامل نمیگردد مگر زحمات و مشقات هیکل مبارک در

(۱) "بهاء الله و عصر جدید"

ارسال تواقیع، ترجمه آثار و نگارش کتب قید شود .

هیکل مبارک علاوه بر سیل مکاتیب خصوصی که با طرف جهان
ارسال میداشتند تواقیع متعددی که جنبه عمومی داشته اند بهاران
و احبّاء الهی مرقوم فرمودند . من جمله می توان از "نظم بدیع
حضرت بهاء الله"، "امریکا و صلح اعظم"، "دور بهائی"، "شکفته
شدن مدنیّت جهانی"، "قد آتی یوم المیعاد" (۱) و "ظهور عدل الهی"
که همه بلسان انگلیسی است نام برد .

ترجمه های هیکل مبارک نیز نتیجه سالها زحمت و مشقات بی
پایان ایشان بود و آنرا به احبّای غرب هدیه فرمودند و نمونه هائی
از آن عبارتند از: ترجمه کتاب مستطاب ایقان، ترجمه قسمت اول
تاریخ نبیل که به شهادت نفوس برجسته یک شاهکار ادبی بود،
ترجمه منتخبات آیات حضرت بهاء الله و ادعیه و مناجات، ترجمه لوح
ابن ذئب و . . .

تنها نوشته ای که هیکل مبارک آنرا کتاب نامیدند گاد پاسیزبای
(قرن بدیع) است. که در خاتمه قرن اول بهائی آنرا به احبّای غرب
اعطاء فرمودند . صدها ساعت صرف شد تا مواد لازمه این کتاب
جمع آورنگردد . صدها روز و ماههای متتابع گذشت تا همه را با
دست خود مرقوم فرمودند . با وجود اتمام چنین شاهکاری عظیم
هنوز راضی نبودند و تمام افکار خود را متمرکز در نگارش همان تاریخ
بزبان فارسی فرمودند . که برای تسلی خاطر یاران ستمدیده ایران
(۱) این توقیع تحت عنوان قد ظهروم المیعاد نیز مشهور می باشد .

ارسال فرمایند (لوح قرن) . این کتاب قرن و لوح قرن د وهد به گرانبهای هیکل مبارک بود که با ازدست دادن صحت و سلامت خود بیاران الهی د سراسر جهان عنایت فرمودند و در ماههایی تهیه کردند که عالم انسانی از ضربات مهلک و پیاپی جنگ جهانسوز ثانی، متشنج، و د رآتش آن مشتعل و محترق بود .

د وستان الهی تحت هدایتهای هیکل مبارک د رطی تماسهای خود باموئسسات و نفوس مستعدّه، آثار مقدسه راد رد سترس طالبان حقیقت قرار دادند. بعنوان مثال د رمدت یازده ماه از مارس ۱۹۴۲ تا فوریه ۱۹۴۳ متجاوز از نوزده هزار کتاب و صد هزار جزوه و سه هزار رساله متضمن رؤوس مسائل امریه و چهار هزار مجموعه از آثار منتخبه و . . . ۱۸۰ کارت سالیانه و کارت مشرق الانکار و اوراق چاپی ب فروش رسیده یا مجاناً توزیع گردید .

نفوس مهمهای بد ریافت آثار امریه موفق گشتند. از جمله پادشاه انگلستان، ماری ملکه رومانیا، روزولت رئیس جمهور امریکا، فیصل پادشاه عراق و . . . همچنین مبلغین بوسیله قراردادن آثار مبارکه در کتابخانههای رسمی و عمومی و دانشگاهی فرصت مناسبی برای استفاده از آن آثار بوسیله اهل تحقیق ایجاد نمودند .

د - احبای امریکا و نقش عظیم آنان د رگسترش امرالهی:

احبای امریکا د راستقرار و گسترش امر الهی سهمی بسزادارند . آنان اولین ملت غرب بودند که د رسنه اول عهد میثاق

با امر اعظم الهی آشنا شدند و از آن پس حیات روحانی خود را آغاز کردند . حضرت ولی امرالله در این باره می فرماید : " . . . احبای این کشور آنقدر تقدّم روحانی دارند که حضرت عبدالبهاء ایشان را " امانای عالی مقام بربلیغ بلیغ امرالهی و مأمور فرمان تبلیغی جهانگیر " شمردند و بچنین مأموریت جهانی مفتخر داشتند. این سمت نی الحقیقه حق ولادت روحانی آنان بود . احبای امریکه نه فقط مجریان فرمان تبلیغی مرکز میثاق شدند، بلکه بافتخار اجرای الواح وصایای حضرت عبدالبهاء نیز مأمور و مفتخر گردیدند و بانیا اصلی نظم جنینی حضرت بهاءالله گشتند و بمشعلداران مدنیّت جهانی مشتهر آمدند و بهتدوین و تأسیس د ستور جامعه بهائی سرآمد اقران شدند . " (گوهریکتا ص ۲۷۶)

حضرت ولی امرالله ظهور جامعه بهائی راد ر امریکا یکی از اشرف وقایع قرن اول امرالهی دانستند و این ظهور و بروز بانفوذ الواح وصایای مبارکه مرکز میثاق قوت گرفت . پیروان امر حضرت بهاءالله در ایالات متحده امریکا و کانادا د رسالهای آخر قرن اول د رمیدان خدمت و مهاجرت گوی سبقت را از همگنان ربودند .

قیام میس مارثاروت به خدمت امرالله و اقبال ملکه رومانیا:

تاریخ عصر تکوین کامل نمیگردد مگر آنکه ذکر سرور مبلغین و مبلغات میس مارثاروت د رآن آمیخته شود . میس مارثاروت روزنامه نویس و ازیک عائله ممتاز آمریکائی بود . ایامی که خاک امریکا

بقدر و حضرت مولی‌الوری مشرف شد او هم از جمله نفوسی بود که چشم خویش را بزیارت آن جمال بیمثال روشن نمود و چون فرمان تبلیغی مرکز میثاق را زیارت کرد، چنان حرارتی در دل و جان مشاهده نمود که بی اختیار قیام کرد. قیامی که دیگر قعودی در پی نداشت. اسفار عظیمه متعدد در متوالیه خود را آغاز کرد. هیچ فردی از ابتدای تاریخ امر باندازه او سفر نکرد و تمام این اسفار را با نهایت رنج و سختی انجام میداد. میس مارثاروت در موقع صعود حضرت عبدالبهاء در حدود ۴۹ سال داشت و دارای جثه‌ای ضعیف و اندام نسبتاً بلند بود. هیچ فردی نتوانست باندازه او رضایت و سرور قلب هیکل مبارک را جلب نماید. در سال ۱۹۲۳ او را "حواری پیروزمند و شجاع حضرت عبدالبهاء" نامیدند. در سال ۱۹۲۶ مارثاروت حضور مبارک نوشت که با بسیاری از اعضاء و خانواده‌های سلطنتی از جمله ملکه رومانیاس تماس دارد.

"از بین خد ماتی که این نجم بازغ افق ایمان باستان حضرت رحمان تقدیم نمود اعظم و اشرف آن، ابلاغ پیام الهی بعلیا حضرت ملکه رومانیاست." ص ۲۱۲ قرن بدیع قسمت چهارم مارثاروت در آیام حیات خویش هشت مرتبه با ملکه ملاقات نمود و شرح مفصل این ملاقاتها را بحضور مبارک عرض کرد. اولین ملاقات وی با ملکه در تاریخ ۳ ژانویه سال ۱۹۲۶ در قصر

کنتروشی در بخارست روی داد و این بموجب میل و اراده ملکه صورت گرفت. قبلاً "مارثاروت کتاب بهاء الله و عصر جدید را برای ایشان ارسال داشت و نتیجه این شد که ملکه اظهار میل نمود که با فرستنده این کتاب ملاقات نماید. بعد از آن ملکه سفری به امریکا نمود و در این سفر قلب مُمَرَّد ملکه نیک اختر لبریز از روح امرالک قدّ رشد و بیانیه‌هایی سرگشاده خطاب بعموم ناس منتشر و در حدود ۲۰۰ روزنامه و مجله که از کثیرالانتشارترین مجلات امریکا و کانادا بودند درج شد و بعداً ترجمه آنها در مطبوعات اروپا و چین و ژاپن و استرالیا و شرق نزدیک و جزائر بحار منعکس شد. آخرین بیانیه ملکه در سال ۱۹۳۶ بود که دو سال قبل از صعود خود مرقوم و ارسال فرمود. ملکه "در یکی از شهادت‌های اخیر خویش مینویسد: "آئین بهائی منادی صلح و سلام است و مروج حسن تفاهم در بین انام... پیامش مصدق ادیان الهیه است و مبدأش موافق معتقدات سابقه، هیچ باپی را سدّ ننماید و هر سبیلی را مفتوح گذارد. در رحیمی که قلبم از مخاصمات متعادم به پیروان مذاهب عدیده محزون بود و روجم از حمیه جاهلیه آنان خسته و آزرده، نظرم بتعلیمات بهائی بیفتاد و روح حقیقی حضرت مسیح که بسا از نفوس نداشت و نشناخته‌اند آن تعالیم ظاهر و هوید اگشت"

قرن بدیع ص ۲۲۳-۲۲۴

مارثاروت تا آخرین لحظه حیات تماس خود را با ملکه رومانیاس از

دست نداد . داتما" ایشان را از امور امریه با خبر میکرد . وی — علاوه بر ملاقات ملکه رومانی و شاهزاده خانمها ژولیان و ایلینا با پادشاه بلغارستان و ملکه ایشان که دختر علیاحضرت بود و — همچنین بسیاری از اعظام و شخصیتهای ممتازه ارض از ملوک و ارباب علم و دانش دیدار نمود .

"تعلقات و اشواق درونی ملکه، او را بسوی کوی جانان رهسپار کرد و در سفری که بشرق آدنی نمود قصد و نیت خویش را در زیارت مقامات مقدسه بهائی اظهار داشت و بهمراهی دختر کوچکش از مدینه مبارکه حینا گذر کرد . ولی در هماندم که در آستانه تشرّف بعثت محبوب قرار گرفت، دخالت سیاسیون ویرا از حصول این مقصد عظیم بازداشت ."

ص ۲۲۵ قرن بدیع قسمت چهارم

"... در ماه ژوئن ۱۹۳۱ ملکه طی نامه‌ای شرح ماوقع را برای مارثاروت بدین ترتیب بیان مینماید (من و ایلینا هردو از زیارت مقامات مقدسه علیا ممنوع گشتیم و از این حرمان و هجران در غایت آسف و حسرتیم" . ص ۲۲۶ قرن بدیع قسمت چهارم

مارثاروت در سپتامبر ۱۹۳۹ در جزائر هونولولوورخت از این جهان ، بجهان بالا کشید و حیات خود را که بفرموده مبارک "ابهی ثمره عصر تکوین امر حضرت بهاء الله بود" بجان آنرین تسلیم کرد .

نقشه ۷ ساله اول و دوم امریکا

نقشه ۷ ساله اول امریکا (۱۹۴۴-۱۹۳۷) اولین قدم برای

تحقق آمال حضرت عبدالبهاء است که در فرامین تبلیغی تدوین گشته و حضرت ولی امرالله آنقدر آنها عظیم دانستند که فرمودند ترقی و تعالی الهی و تأسیس مبانی نظم بدیع حضرت بهاء الله در تمام قارات و کشورها ، مربوط و منوط بموفقیت تام تمام این نقشه اولیه است .

جامعه بهائی امریکا اهداف ثلاثه مقرر این نقشه یعنی :

الف- تشکیل محفل روحانی در هر یک از ایالات و ولایات غیر مفتوحه امریکای شمالی و

ب- تأسیس مرکز جداگانه‌ای در هر یک از جماهیر امریکای مرکزی و جنوبی و

ج- تکمیل تزئینات خارجی مشرق الاذکار را بکمال موفقیت خاتمه دادند .

حضرت ولی امرالله انجام نقشه ۷ ساله اول را بزرگترین مجهودات و خدمات دسته جمعی پیروان امر حضرت بهاء الله در قرن اول بهائی می‌دانند . در ۲۳ می ۱۹۴۴ میلادی در سر عالم بهائی جشنهای وثوی بعثت حضرت نقطه اولی و در همان سال نخستین انجمن شور روحانی قاره امریکا برگزار گردید .

نقشه ۷ ساله دوم امریکا از آوریل ۱۹۴۶ لغایت رضوان ۱۹۵۳ بطول انجامید .

این نقشه دومین مرحله در سبیل تحقق نوپای مقدسه حضرت

عبد البهاء محسوب می‌گردد و در طی آن در اقلیم کانادا که بفرموده مرکز میثاق، مستقبل آن چه از حیث ملک و چه از حیث ملکوت بسیار عظیم است عده مراکز امریه از شصت تجاوز نمود و انجمن شور روحانی ملی منعقد گشت و اولین محفل مرکزی آن - اقلیم تشکیل شد و استقلال آن از محفل بهائیان امریکا اعلان گشت. جنود مُجَنَّدَةُ الهیة ایالات متحده امریکا هجرت نمودند و در نقاط مختلف اروپا متشتت گشتند و نقاط بسیاری در این قاره فتح گردید. در همان اوان در جزائر بریتانیا نقشه ۶ ساله، در کشور هند وستان نقشه چهارونیم ساله و در خطه ایران نقشه ۴۵ ماهه و در استرالیا نقشه ۶ ساله و در اقلیم عراق نقشه سه ساله برگزار گردید و احباً متحداً "متفقاً" به اجرای نوپای هیکل مبارک قیام نمودند.

اتمام و اکمال ساختمان مقام اعلی

پس از صعود حضرت عبد البهاء و استقرار عرش مطهرشان در یکی از حُجرات مقام اعلی با همه شوقی که هیکل مبارک حضرت عبد البهاء با تمام ساختمان مقام اعلی داشتند، کار تمام نگردید و این وظیفه بردوش حضرت ولّی امرالله گذارده شد. ایشان در سال ۱۹۲۸ شروع به شالوده ریزی فرموده ساختمان سه اطاق بزرگ باقیمانده را مانند اطاقهای مجاور در سال ۱۹۲۹ آغاز کردند تا طبق اراده حضرت مولی الوری مجموعه آنها نه اطاق شود. میل مبارک حضرت عبد البهاء آن بود که پس از استقرار ۹ اطاق

که اساس مقام مقدّس بود ساختمان عظیم ارتفاع یابد و دارای زوای و گنبد باشد. مهندسان عالیقدری که طراح مقام مقدّس اعلی بودند، جناب سادِر لَنَدُ ماکشول پد رحضرت روحیه خانم بودند که با وجود بیماری سرانجام موفق گشتند در سال ۱۹۴۳ نقشه مقام مقدّس را بحضور مبارک تقدیم کنند و در ۲۳ می ۱۹۴۴ هنگام برگزاری جشن مَقَوّی بعثت حضرت نقطه اولی مدل این ساختمان که به تأیید هیکل مبارک رسیده بود بعموم ارائه گردید.

با وجود فشار اوضاع ناگوار اقتصادی که از نتایج جنگ بود صندوق تبرّعاتی بهمین مقصود تأسیس گردید و در آوریل ۱۹۴۶ بنای مقام مقدّس آغاز گردید. در سال ۱۹۵۲ پس از دو سال بیماری، جناب ماکسول صعود نمودند ولی کار ساختمان در چهار وقفه نشد. ساختمان مقام اعلی بانهایت سختی و مرارت بنیاد گردید و سرانجام در اکتبر ۱۹۵۳ مقارن با پایان جشن مَقَوّی سنه تسع اختتام یافت. وقتی ساختمان مقام با این همه عشق و زحمت بپایان رسید، هیکل مبارک آنرا از بابت جمال و کمال (ملکه کزابل) نامیدند که بر کرسی خود روی کوه خدا جالس است و تاجی از ذّهب ابریز بر سر دارد و کمری از زُمُرُود سبز بر میان بسته دامن سفید خود را بر کوه خدا گسترده است. گوهریکتا ۳۷۹

منابع مورد استفاده: گوهریکتا - قرن بدیع قسمت چهارم - شماره مخصوص آهنگ بدیع - تاریخ امرطرح مکاتبه‌ای - جزوه شرح حیات حضرت ولّی امرالله - لوح قرن.

اثبات خدا

وجود خدا اثبات نمیخواهد

انسان معمولاً "در حال تفکر است. برای لحظات حال و - آینده" خویش بدنبال مطلوب و آید ه آل میگردد . هیچوقت نیست که انسان دیگری چیزی نخواهد . آری لطرت انسانی اقتضا میکند که همیشه متوجه بد سمتی باشد . عشق و عقل او هرگز توقّف نپذیرد . بدنبال سرّ مجهول و هدف مطلوبی بدوّد و تلاش کند . هیچوقت نمیشود که تمام و کمال به آرزوهای خود دست یابد و دیگر چیزی برای یافتن نداشته باشد . چه در اعتقادات روحانی - ضعیف باشد چه قوی، بطور معمول تازنده است چه جسماً و چه فکراً" به سعی خود ادامه میدهد . چرن نمیتواند به خوردن و خوابیدن و زندگی حیوانی اکتفا نماید .

میگویند این گشتن بدنبال مطاوب د لزمی و تمایل به داشتن هد فی والا و دست نیافتنی نشانه‌ای از تلاش در راه خدا جوئی و یافتن غیب مطلق است .

نقل مفهوم از تقریرات آقای دکتر داوودی (نوار ۳۵)

معهد اعلی نیز در مقدمه پیام جهانی خویش این سرشت بشری

را خاطر نشان میسازند :

قَوْلُهُ الْجَلِيلُ : "موقفیت در این امور (تعدن مادی) هرگز سبب ارضاء

روح انسانی نگشته است. زیرا روح انسانی لطیفه‌ای است که به عالم

ببرتر مایل و بجهان غیب راغب است . پروازش بسوی حقیقت مطلقه و ذات لا یُدْرِكُ یَا جَوْهَرُ الْجَوَاهِرِ است که نامش خدا است ."

پیام جهانی بیت العدل ص ۸

هرچند ذات الوهیت ناپیدا و مجهول است ولی انسان با تمرکز فکر و بانیت خالص و با احساس د رونی خویش به د رک مسائلی از قبیل وجود خدا و روح موثّق میگردد . حضرت عبدالبهاء نیز در این باره انسان را به تفکر و اکتشافات وجدانیه و د رک فیوضات - حق تشویق میفرماید قَوْلُهُ الْأَخْلَى :

"انسان تصوّر حقیقت الوهیت نتواند ولی بقواعد عقلیه و نظریه و منطقیه و طلوعات فکریه و انکشافات وجدانیه معتقد بحضرت الوهیت میگردد و کشف فیوضات الهیه مینماید و یقین میکند که هر چند حقیقت الوهیت غیر مرئیّه است و وجود الوهیت غیر محسوس، ولی أدلّه قاطعه الهیه حکم بسوجود آن حقیقت غیر مرئیّه مینماید . . ."

ص ۲۳ خطابات اروپا و آمریکا

از جهت دلائل و براهین در آثار مبارکه (مخصوصاً کتاب مستطاب مفاوضات، و خطابات مبارکه) تَفَضُّلاً" بذکر دلائلی در - اثبات الوهیت مبادرت شده است که در اینجا فقط بذکر یکی از آنها جهت نمونه اکتفا میگردد . ضمناً مطالعه سایر دلائل از آثار مبارکه فوق مخصوصاً دقت در مند رجات لوح مبارک حضرت

عبدالبهاء به پروفیسور فورال (۱) توصیه میشود .

(۱) خطابات اروپا و آمریکا ص ۱۸ و مکاتیب جلد سوم ص ۴۷۴

ترکیب عناصر واجزای جهان به اراده خداوند است.

حضرت عبدالبهاء میفرماید: "وجود کائنات عبارت از ترکیب عناصر مفرد است و عدم عبارت از تحلیل عناصر. زیرا تحلیل سبب تفریق عناصر مفرد گردد."

خطابات اروپا و آمریکا ص ۲۳

هرچه که در جهان می بینیم کائنی است مرکب از دو یا چند عنصر. مثلاً آب از ترکیب اکسیژن و هیدروژن بدست آمده است. موجودات عالم همه مرکبند و بتدریج به تحلیل میروند اما در اینکه علت و موجب این ترکیبات چیست سه نظریه عنوان شده است: تصادفی، الزامی، ارادی.

نظریه تصادفی - گروهی معتقد بوده اند که جهان تصادفاً بوجود آمده است. یا ترکیب جهان تصادفی است. درجواب گوئیم با در نظر گرفتن این نکته که در تصادف تکرار و نظم دیده نمیشود چنین چیزی عملاً محال است.

تصادف امروز تحت قانون احتمالات اینگونه تعریف شده است: انطباق یا عدم انطباق دو یا چند واقعه که هر یک علتی جداگانه دارند. مثلاً شخصی از کنار خانه ای عبور میکند و تصادفاً سنگی از پشت بام غلطیده و به سر او اصابت میکند و سر او را میشکند درست است که گذشتن شخص از پهلوی دیوار و همچنین افتادن سنگ هر

کدام دارای علل مستقلی هستند، ولی انطباق دو واقعه افتادن سنگ و عبور شخص باید یگر و بالنتیجه شکستن سر تصادف است.

برطبق قوانین احتمالات هر واقعه ای که شانس وقوعش کمتر از $\frac{1}{100}$ باشد بعید الوقوع است. و هرچه درصد شانس کمتر باشد احتمال تصادف کمتر است مثلاً اگر شما وارد اطاقی شوید و ملاحظه کنید میمونی در گوشه اطاق نشسته و روی دستگاه تایپ موجود در اطاق یک کلمه سه حرفی مانند "سیب" تایپ شده است ممکن است حدس بزنید که این کار کار میمون است که با تایپ بازی کرده و تصادفاً این کلمه را نوشته است.

ولی اگر طبق قانون احتمالات این قضیه را بررسی کنیم می بینیم که چنین چیزی نیست. زیرا صرف نظر از اینکه میمون همه چیز را گذاشته و با تایپ بازی کند و نیز صرف نظر از احتمال اینکه کاغذ را بتواند بخوبی داخل تایپ جای دهد، اگر فرض کنیم:

تعداد نشانه های تایپ در حدود ۱۰۰ عدد باشد (حروف و اعداد و نشانه ها جمعاً) احتمال اینکه میمون انگشت خود را روی "س" بگذارد یکصدم است و باز احتمال اینکه بعد از "س" انگشت خود را روی "ی" بگذارد مساوی ده هزارم یعنی یکصدم ضربدر یکصدم است و باز احتمال اینکه پس از "ی" انگشت خود را روی "ب" بگذارد یک میلیونیم یعنی مساوی یکصدم ضربدر یک ده هزارم است باین معنی که طبق قوانین احتمالات اگر میمون یک میلیون مرتبه علامت

بزند یکی از آنها ممکن است سبب دربیاید و بنا بر این شانس اینکه میمون یک کلمه سه حرفی را تایپ نموده باشد یک میلیونیم است که عملاً میتوان گفت محال است.

حال وقتی که باین جهان با عظمت با این همه نظم و ترتیب حیرت آور نگاه می‌کنیم اگر ایجاد آنرا به تصادف نسبت دهیم، جز به ضعف عقل و اشتباه در قضاوت به چیز دیگر نمی‌ماند.

(نظریه تصادفی نقل از مقاله اثبات خدا از دکتر ماشاء الله

مشفرف زاده)

نظریه الزامی بودن ترکیب - گروهی دیگر گفته‌اند لزوم ذاتی جهان این چنین ترکیبی را بوجود آورده است. یعنی علت تشکیل جهان را لزوم ذاتی ماده یا خاصیت طبیعی و یا جبر مادی - میدانند.

در پاسخ آنها می‌گوییم که: لزوم ذاتی از اشیاء جدا شدنی نیست مثلاً "خاصیت آتش، سوختن و گرما داشتن است لذا نمیتواند نسوزد و یا سرد باشد. لزوم ذاتی آفتاب تابش است نمیتواند نتابد. بنا بر این اگر لزوم ذاتی در جسم ترکیب شدن بایکدیگر باشد، پس از ترکیب ثابت میمانند و نباید تجزیه شوند.

در حالیکه موجوداتی که ماد رجهان می‌بینیم تماماً ترکیباتی هستند که بالآخره زمانی از یکدیگر مجزا میشوند و روبه تحلیل میروند پس چون تا ابد بصورت ترکیب باقی نمیمانند و تجزیه

میشوند نمیتوان گفت که ترکیب لزوم ذاتی آنها بوده است.

لذا با توجه به بطلان در نظریه تصادفی بودن و الزامی بودن ترکیب عناصر، که بعنوان علت های بوجود آورنده کائنات فرض شده بود، تنها نظریه صحیح همان ترکیب ارادی است که حضرت عبدالبها تبیین فرموده‌اند **قوله الأَحَلّی**:

"... چون نظر در ترکیب عناصر کنیم که از هر ترکیبی کافنی تحقق یافته و کائنات نامتناهی است و معلول نامتناهی، پس علت چگونه فانی؟ و ترکیب محصور در سه قسم است. لا رابع له:

ترکیب تصادفی و ترکیب الزامی و ترکیب ارادی

اما ترکیب عناصر کائنات یقین است که تصادفی نیست زیرا معلول بی علت تحقق نیابد و ترکیب الزامی نیز نیست زیرا ترکیب الزامی آنست که آن ترکیب از لوازم ضروری اجزاء مرکب باشد و لزوم ذاتی از هیچ شیئی انفکاک نیابد. نظیر نور که مظهر اشیت و حرارت که سبب توسعه عناصر و شعاع آفتاب که از لزوم ذاتی آفتابست. در اینصورت تحلیل هر ترکیب مستحیل زیرا لزوم ذاتی از هر کائنی انفکاک نیابد. شق ثالث باقی ماند و آن ترکیب ارادی - است که یک قوه غیر مرفیه‌ای که تعبیر به قدرت قدیمه میشود سبب ترکیب این عناصر است. و از هر ترکیبی کافنی موجود شده است...

خطابات اروپا و آمریکا ص ۲۳ (لوح پروفیسور نورال)

همانطور که ذکر شد در آثار مبارکه دلایلی موجود است ولی نه

اینکه دانستن دلایل لازم^۵ خداشناسی و دینداری باشد .
معمولا^۶ اینگونه مطالب به احساس باطنی پذیرفته میشود و بندرت
ممکن است نفوسی برای اعتقاد به خدا منتظر دلیل بمانند چنانکه
میفرمایند : "... اینها ادله^۷ نظریست برای نفوس ضعیفه
اما اگر (دیده^۸) بصیرت باز شود صد هزار دلیل باهره مشاهده
میکند ..."
مفاوضات ص ۵

منابع مورد استفاده : مفاوضات - مقاله اثبات خدا دکتر مشرف -
زاده - خطابات اروپا و آمریکا - نوار ۳۵

* * * * *

حیات بهائی

۱۱ - هنگامیکه برایتان مقدور است از تشویق و تمجید
صادقانه دیگران کوتاهی نکنید ولی تملق نگوئید . تشویق و -
تمجید مبالغه آمیز ممکن است برای لحظه ای باعث خشنودی گردد
ولی فرد تشویق شده بعدا^۹ درمی یابد که سزاوار آن تمجید نبود^{۱۰}
است و نسبت به ستایش های آتی شمانیز بی اعتماد میگردد .
برای انتخاب زمان و مکان تشویق از هوش و دایت خود استفاد^{۱۱}
کنید . این مسأله مخصوصا^{۱۲} در مورد نوجوانان حائز اهمیت است .
زیرا اگر در حضور افراد مسن مورد تمجید قرار گیرند دست پاچه
میشوند .

۱۲ - اگر فردی در مقابل آنچه که برایش انجام داده اید

قدردانی نمود ، باروی باز آنرا بپذیرید . از تواضع ساختگی
بپرهیزید ؛ هنگامیکه یکی از دوستان عمل شما را مورد تمجید قرار
میدهد ، اگر شما بگوئید " بنظر من این کار چندان خوبی هم نبود ،
از قضاوت او من غیر مستقیم انتقاد کرده اید . چه قدر جالبتر و
موه^{۱۳}بانه تر میتواند باشد اگر بگوئید : " خیلی خوشوقتم که از این
کار من خوشتان آمد ."

۱۳ - گاهی اوقات به آشنایان و دوستان خود فرصت دهید
تا به شما کمک کنند . حتی اگر ممکن است احساس کنید که برای
خودتان انجام آن کار ساده تر است ، پیشنهاد کمک آن فرد بمعنا^{۱۴}
آنست که آرزو دارد در زندگی شما سهمی بعهده گیرد . لطف
کار در اینست که باو اجازه دهید . و یا حتی از او دعوت کنید آن
کار را برای شما انجام دهد .

۱۴ - دوستان را تشویق کنید تا در انجام کاری که برای همه
شما با ارزش است باهم همکاری نمایند . اگر هدف کاری که همه
اعضا^{۱۵} یک گروه در راهش تلاش میکنند و برای آن ارزش قائلند
مشترک باشد ، در اینصورت اختلافات جزئی و برخورد های شخصی
منتفی خواهد شد و موفقیت در آن بیش از حدی خواهد بود که هر
کدام از آن افراد بتنهائی بتوانند کسب نمایند . بهائیان برای
فداکاری در جهت اهداف الهام بخش الهی آمادگی کامل دارند
و این موضوع سبب میشود که با توانائیهای و زمینه های متفاوت بتوانند

بطور مؤثری با هم تشریک مساعی نمایند .

۱۵ - در مقابل قولی که میدهید مسؤول باشید . بادقت تمام فکر کنید و هرگز قولی ندهید مگر آنکه ایمان داشته باشید که میتوانید آنرا انجام دهید . زمانیکه شما در امور روزمره ، خود را غیرقابل اعتماد نشان میدهید چگونه انتظار دارید که مردم گفته‌های شما را در مورد حضرت بهاء‌الله باور کنند ؟

۱۶ - دائماً بخاطر داشته باشید که محبت خالصانه چه "معجزه‌ای" میتواند بنابر آورد .

"محبت یگانه وسیله ایست که سعادت واقعی را در دنیا و آخرت تضمین مینماید . محبت نوری است که رهنمون مادر دل - سیاهی هاست . محبت حلقه حیاتبخشی است که خدا و انسان را بهم مرتبط میسازد . محبت ارتقا ارواح نورانی را میسر میسازد . محبت بزرگترین نظمی است که برای کور عظیم الهی حکمفرماست . محبت بمنزله حیات روحانی ، زینت بخش کالبد انسانی است .

(ترجمه از آثار حضرت عبدالبهاء مندرج در عالم‌بہائی جلد ۲

صفحه ۵۰)

"محبت به جسم مرده ، جان می‌بخشد ، محبت حرارت بخش قلوب پژمرده است . محبت امید بخش دل‌های ناامید و شادی بخش قلوب افسرده است .

فی الحقیقه در عالم هستی نیروئی بالاتر از نیروی محبت وجود

ندارد . (خطابات پاریس صفحه ۱۷۹ . ترجمه)

"تا زمانیکه قلب را تسخیر ننماید هیچ موهبت الهی دیگری در آن تجلی نخواهد کرد . (اعلان صلح عمومی صفحه ۱۳)

شاید شما در این اندیشه‌اید که "من مایلم با محبت و صمیمی باشم و تمام این نصایح را اجر انعام ولی این کار بی‌اندازه شکل است . کجا میتوان از چنان عزم و اراده‌ای برخوردار گردید که همه افراد را حتی دشمنان را دوست صمیمی گردیم .

دیانت بهائی برای این سوال پاسخی صریح دارد .

محبت خالصانه ما نسبت به سایرین ، انعکاسی از عشق حقیقی ما به خداست . بتدریج که عشق ما نسبت به خداوند زیاد تر میگردد محبت ما به سایر انسانها نیز ضرورتاً افزایش می‌یابد . چنین فردی قادر است با تفکر و تعمق طریقه ابراز چنین محبتی را پیدا کند . ولی آنچه از ضروریات اولی بشمار میرود آنست که انسان - آنچنان عشقی نسبت به خدا در خود احساس نماید ، که بتواند نورانیت آن محبت را به سایرین منعکس سازد .

بر روی آثار مبارکه ذیل که بنحو ساده و واضح رابطه عشق به خدا و عشق به خلق خدا را بیان میدارد تعمق و تفکر نمائید .

"عشق واقعی امکان ندارد مگر آنکه انسان رو بسوی خدا - آورد و مجذوب جمال الهی گردد .

(ترجمه از مکاتیب انگلیسی جلد ۳ صفحه ۲۲۶)

"... محبت عالم انسانی اشراقی از محبت الله جلوه ای از فیض موهبه الله است... اعظم قوت در عالم انسانی محبت الله است ملل مختلفه را بظل خیمه یگانگی آرد..."

مفاوضات ص ۲۲۲

"باید به جمیع انسانها با عشق و محبت و احترام نگریست. زیرا آنچه مادر انسانها مشاهده میکنیم چیزی جز آثار و علائم ذات - خداوندی نیست". (اعلان صلح عمومی ص ۲۲۶)

"اگر نفسی را دوست دارید سبب آن وحدت عائله و وحدت وطن و وحدت جنس نباشد. بلکه باید نفوس را از برای خدا دوست داشته باشید."

هر نفس کاملی را دوست داشته باشید ولو از وطن شما و عائله شما نباشد. تا باین وسائط بتوانید بعالم انسانی خدمت کنید. عالم انسانی را نورانی نمائید و بنیان این ظلمات بغض و عداوت را براندازید..." ص ۷۵ خطابات مبارکه جلد اول

"... روابط مادّیه از برای الفت بین بشرکافی نیست. محتاج یک قوه دیگر است که آن جمیع بشر را بیکدیگر التیام دهد و موثر نهایت محبت شود و باید غیر محدود باشد. شبهه ای نیست که این قوه روح القدس است... هیچ قوه ای جز این قوه ملکوتیه نتواند که جمیع بشر را انجمن واحد کند..."

ص ۷۳ خطابات مبارکه جلد اول

تمام مقاصد شخصی را بکناری بگذارید و با اطمینان کامل بدانید که همه انسانها بندگان خداوندی هستند که آن ذات اقدس الهی آنها را از طریق عشق و الفت بایکدیگر متحد میسازد. (اعلان صلح عمومی صفحه ۳۱۶)

نقل به اختصار و اقتباس از ترجمه مقاله خانم کوی (Coy)

* * * *

عهد و میثاق

عهد و میثاق خاص: "... همان عهدی بود که جمال مبارک راجع به حضرت عبدالبها از پیروان خویش گرفت. تعیین جانشین:

حضرت بهاء الله در کتاب عهدی میفرمایند:

"باید اغصان و افنان و منتسبین طراً به غصن اعظم ناظر باشند اَنْظُرُوا مَا اَنْزَلْنَاهُ نَبِي كِتَابِي الْاَقْدَسِ اِذَا غِيضَ بَحْرًا لَوْصَالٍ وَقُضِيَ كِتَابُ الْمَبْدَأِ فِي الْغَالِ تَوَجَّهْ وَاللّٰهُ الَّذِي اَنْشَعَبَ مِنْ هَذَا الْاَصْلِ الْقَوِيْمِ (۱) مقصود از این آیه مبارکه غصن اعظم (حضرت عبدالبها) بوده کذلک اَظْهَرْنَا الْاَمْرَ تَفَضُّلاً مِنْ عِنْدِنَا وَاَنَا الْفَضْلُ الْكَرِيْمُ. (۲)

(۱) بنگرید آنچه را که در کتاب اقدس خود نازل فرمودیم: هنگامیکه دریای وصال فرورفت و کتاب آغاز بپایان رسید بسوی کسی که خداوند او را اراده فرموده و از این اصل قویم منشعب گشته توجه نمائید. (۲) اینچنین امر را از جانب خود تفضلاً آشکار نمودیم و همانا که من بسیار بخشندهام.

"به نصّ کتاب اقدس مرکز میثاق را مُبَيَّن کتاب فرمودند که از —
 اَوَّل اِبْدَاعِ تَايَوْمِنَا هَذَا دَر ظَهْوَرِ مَظَاهِرِ مَقَدِّسِه چنين عهد محکم
 متیني گرفته نشده .

(از حضرت عبد البها^ه منقول در دور بهائی ص ۱۶)

در اعصار گذشته همیشه اختلافات و انشقاقات مذهبی وجود —
 داشته است. زیرا هرکسی فکر و عقیده^ه جدیدی را به خدا نسبت
 داده است. اما حضرت بهاء^{الله} اراده فرمود که در میان بهائیان
 هرگز علتی برای ایجاد اختلاف نماند. لِهُذَا بِقَلَمِ مَبَارَكِ كِتَابِ
 عَهْدِ شَرَا مَرْقُومِ وَخَطَابِ بَهْمَنْتَسَبِينِ واهل عالم چنين فرمود که من
 شخصی را که مرکز عهد و پیمان من است معین نمودم و باید همه باو
 توجه نمایند و از او اطاعت کنند زیرا اوست مُبَيَّن کتاب الله و
 اوست واقف بر مقصد امرالله و مرجع جمیع احبب^ه الله آنچه او بیان کند
 صواب است چه که اوست واقف بر اسرار کتاب الله و لا غیر. مقصود
 از این بیان مبارک آنکه در میان اهل بهاء دیگر اختلاف و انشقاقی
 نماند و همواره متحد و متفق مانند . . . لِهُذَا هَرَكْسُ از مرکز
 میثاق اطاعت نماید، از جمال مبارک اطاعت کرده و هرکس مخالفت
 نماید، با جمال مبارک مخالفت نموده . . . زنهار زنهار که شخصی
 از فکر خود حرفی زند و از پیش خود بدعتی گذارد. زنهار زنهار
 که چنين شخصی را اعتنائی نمائید. زیرا بموجب عهد و پیمان حضرت
 بهاء^{الله} اجتناب از چنين شخصی واجب و لازم . حضرت بهاء^{الله}

از چنين نفوس بیزارند .

(ترجمه از اعلان صلح عمومی — حضرت عبد البها^ه ص ۳۲۲ و

(۳۲۳

عهد و میثاق بی سابقه و نظیر حضرت بهاء^{الله} :

اما اعظم امتیاز ظهور حضرت بهاء^{الله} امری است که در رادیان
 سلف سابقه نداشته و آن تعیین و تنصیص مرکز میثاق است و به این
 ترتیب جمال مبارک دین الهی را از اختلاف و تفرق حفظ فرمود تا
 کسی را مجال نماند که در آن مذهب و مسلکی ایجاد تواند .

(اعلان صلح عمومی، ص ۴۵۵ و ۴۵۶)

"برای آنکه قوای فائقه^ه محیطه که از مشیت نافذ^ه سبحانی^ه
 سرچشمه گرفته پس از انول نیر توحید از حَیْزِ امكان و طلوع و اشراق^ش
 از مطلع لامکان در مجاری حقیقه خویش سرریان یابد و وحدت و
 عظمت آن محفوظ ماند، جمال اقدس ابهی اساس منصوص و بنیانی
 مرصوص که با قدرت و قوت بالغه مخصّص و بانفس مقدّس شارع اعظم
 مؤسّس و مؤجد این کور ابدع^ه انخم، مرتبط و پیوسته است، بنهاد و
 آن اساس، تأسیس میثاق حیّ مبین و پیمان حضرت رَبِّ الْعَالَمِینِ
 است که اصول و دعائم آن را طلعت نور اقبل از عروج بعالم بقاء
 بکمال متانت و اِثْقَانِ بنیان فرمود. این عهد وثیق و میثاق غلیظ
 همان عهد قدیم و منهج قومی است که از قبل در کتاب مستطاب
 اقدس تصریح گردیده و هیکل قدّم بِنَفْسِهِ الْمُقَدَّسِ هنگامی که عائله

مبارک در آیام قرب بصعود در آخرین تودیع آن محیی رم در ربالین مبارک مجتمع شده بودند ، بدان اشاره فرمود و آن را در کتاب وصیت خود که به "کتاب عهدی" ملقب و موصوف است مندرج ساخت و آن ودیعه الهیه را در همان احیان به غصن اعظم و مرکز عهد اتم اقومش بسپرد . . . عهد و میثاقی که جمال اقدس ابهی تأسیس فرمود در کتب و صحف مقدسه و الواح و زبرسماویّه در اعصار و ادوار ماضیه حتی در بین آثار مبارکه حضرت رب اعلی نظیر و مثیلند . چه که در هیچیک از شرایع و ادیان سالفه چنین میثاق عظیم و پیمان قویم که در این دو کریم بنیان گردیده موجود نیست و چنین قدرت و اختیار عمیم که بنص صریح من دون تأویل و تلویح از طرف شارع قدیر به مرکز منصوص و مقرر مخصوص عنایت شده مذکور و مشهود نه . (کتاب قرن بدیع ج ۳ ص ۶۳)

مطالب این قسمت را می توان بدین نحو خلاصه نمود :

حضرت بهاء الله کتاب عهدی را بخط مبارک خویش مرقوم و بختام غزمتوم فرمودند و این امری است که در ایان سلف نظیر و مثیلی نداشته است و در آن سفر جلیل حضرت عبد البهاء را جان نشین ، وصی و مبین آیات خود تعیین فرمودند .

عهد و میثاق حضرت بهاء الله بی سابقه و نظیر است زیرا در هیچیک از ادیان گذشته چنین عهد و میثاق محکمی در باره تعیین و تنصیب وصی و تفویض چنین قدرت و اختیاری به مرکز منصوص موجود نمی باشد و حضرت بهاء الله با تعیین وصی خود دین الهی را از اختلاف و تفرق

حفظ فرمودند . نفسی که از مرکز میثاق اطاعت نماید ، از جمال مبارک اطاعت کرده و مرکس مخالفت نماید با جمال مبارک مخالفت نموده است و بموجب عهد الهی اجتناب از چنین شخصی واجب و لازم است . . . " حضرت عبد البهاء چنین عهدی را از یاران الهی

در باره نظم اداری گرفته اند . . . "

حضرت عبد البهاء می فرمایند :

" ای یاران مهربان بعد از مفقودی این مظلوم باید اغصان و افنان سدره مبارکه و ایادی امرالله و احبای جمال ابهی توجه به فرع و سدره که از دوشجره مقدسه مبارکه انبات شده و از اقتران فرع دوحه رحمانیه بوجود آمده یعنی شوقی افندی نمایند . زیرا آیت الله و غصن ممتاز و ولی امرالله و مرجع جمیع اغصان و افنان و ایادی امرالله و احبای الله است و مبین آیات الله و من بعد و بکراً بعد بکری یعنی در رساله او . (الواح و صایا)

و نیز می فرمایند :

اما بیت عدل الذي جعله الله مصدركل خير ومصوناً من كل خطأ (۱) باید به انتخاب عمومی یعنی نفوس موافقه تشکیلی شود و اعضا باید مظاهر تقوای الهی و مطالع علم و دانائی و ثابت بردین الهی و خیرخواه جمیع نوع انسانی باشند . . . مرجع کل کتاب

(۱) که قرارش داد خداوند سرچشمه همه خوبی ها و مصون از هر خطائی .

اقدس و هر مسأله غیر منصوصه راجع به بیت عدل عمومی به بیت عدل آنچه بالاتفاق یا با کثرت آراء تحقق یابد همان حق و مراد الله است"

(الواح وصایا)

" . . . بنا بر عهد و میثاق الهی حضرت شوقی افندی در دوره حیات مبارکش به عنوان ولی امر الله مرجع اهل بها محسوب . . . و حال مقام مرجعیت اهل بها به بیت العدل اعظم راجع (ترجمه) (قسمتی از دستخط صادره از طرف بیت العدل اعظم)

" . . . از این بیانات کاملاً واضح و روشن است که ولی امر مبین آیات الله و بیت عدل اعظم واضع احکام غیر منصوصه است. تفسیر و تبیین ولایت امر در دایره خویش همانقدر مورد تمکین و انقیاد است که قوانین موضوعه بیت عدل، که حقوق و امتیازاتش وضع قوانین و احکام غیر منصوصه حضرت بها الله است . . ."

دوربهای ص ۷۹ - ۸۰

" . . . عهد و میثاق حضرت بها الله ناگسستنی و قدرت فائقه محیطه اش خلل ناپذیر است. د و کیفیت خاص که این میثاق عظیم را از مواثیق الهیه در ادیان سالفه ممتاز و مشخص می سازد پیوسته لَنْ یَتَغَیَّرَ و نافذ بوده و خواهد بود اَوَّلَ کَلِمَةِ اللهِ که در این دور - اعظم بطهارت و اصالت خود باقی و به تبیینات مقدسه حضرت عبد البها و حضرت ولی امر الله مؤکد و از تصرفات افکار و عقاید مَجْعُولَه بشری مُبَرَّئ و از قیاسات و استنباطات نارسا و تعبیرات

و تفسیرات غیر منصوص مصون و محفوظ خواهد بود . ثانی هدایت الهیه که باب آن همواره مفتوح بوده و هست و اکنون از طریق مؤسسه عظیمه ای که باراده مقدسه حضرت بها الله تأسیس یافته و به عنایات مبارک اش قدرت عالی و هدایت لاریبیه بدان مَفُوض گشته تجلی مینماید. مؤسسه ای که بر حسب مقتضیات زمان و مکان امور جامعه انسانی را تمشیت می بخشد. حضرت ولی الوری راجع به این مؤسسه عظیمه چنین می فرماید: " این جمع مرجع کل امور است. حال مصداق بیان مبارک حضرت بها الله واضح و آشکار می گردد که می فرمایند: " ید قدرت الهیه این ظهور اعظم را بر اساس متین و محکم استوار فرموده که طوفان انقلابات عالم امکان پنیان آنرا هرگز منهدم ننماید و او هام بشریه بنیاد آنرا متزلزل نسازد ."

(دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ ص ۲۰ - ۲۲)

بیت العدل اعظم که بفرموده هیکل مبارک حضرت ولی امر الله در آینده ایام به عنوان "آخرین ملجاء و پناه مدنیّت متزلزل و پیر آشوب محسوب در حال حاضر در رغبت ولی امرتها مؤسسه ای است در عالم که تحت هدایت مصون از خطای الهی قرار داشته و همه باید بآن ناظر باشند. این مؤسسه مسوئلیت تضمین وحدت و پیشرفت امر الهی را بر حسب نصوص مبارکه به عهد دارد . . ."

(دستخطهای بیت العدل اعظم ج ۱ ص ۳۲)

با مطالعه بیانات مبارکه موارد ذیل را می توان استخراج نمود .

حضرت عبد البهاء حضرت شوقی ربّانی را ولّی امرالله و مبین -
آیات الله و بیت العدل اعظم الهی را واضح احکام غیرمنصوصه
تعیین میفرمایند .

د و کیفیت خاص بوجه امتیاز میثاق امر اعظم از ادیان سالفه
است :

اول : اصالت و طهارت کلمة الله که از تفسیر و تبیین افراد
محفوظ و مصون است .

دوم : هدایت الهیه از طریق مؤسسه بیت العدل اعظم در
عالم امکان همواره برقرار است .

بنابر عهد و میثاق الهی در حال حاضر بیت العدل اعظم
الهی تنها مؤسسه ای است در عالم که تحت هدایت مصون از خطای
الهی قرار داشته و همه باید بآن ناظر باشند .

وفای به عهد و میثاق ضامن آن است که : "... وحدت و صفای
امر الهی محفوظ ماند ..."

حضرت عبد البهاء میفرمایند :

... قوه میثاق، امر بهاء الله را از شبهات اهل ضلال محافظت

نماید و حصن حصین امرالله است و رکن متین دین الله . اليوم

هیچ قوه ای وحدت عالم بهائی را جز میثاق الهی محافظه ننماید

والا اختلاف مانند طوفان اعظم عالم بهائی را احاطه نماید .

بدیهی است که محور وحدت عالم انسانی قوه میثاق است و بس .

... پس باید اول قدم را بر میثاق ثابت نمود تا تأییدات بهاء
از هر جهت احاطه کند و جنود ملاء اعلى مُعین و ظهیر گردد و
نصایح و وصایای عبد البهاء در قلوب بمانند نقش در حجر نماند
و باقی و برقرار ماند . (مکاتیب عبد البهاء ج ۳ ص ۲۹ ، ۳۰)

مقصود از ثبوت و رسوخ بر عهد و پیمان الهی :

حضرت عبد البهاء در چند مورد ثبوت و رسوخ در عهد الهی
را از "أهمّ امور" توصیف و به اطاعت از رئیس امرالله منوط می فرماید .

"مقصود از ثبوت در عهد و میثاق نیر آفاق، اطاعت صرفه محضه
از تعالیم مبارکه الهیه است . بنحویکه نفسی نگوید "این عقیده و نظر
من است" بلکه باید آنچه را که از قلم قدرت و لسان عظمت میثاق
ملیک آفاق جاری میگردد کاملاً اطاعت نماید .

افزایش و شکوفائی ثبوت و رسوخ در عهد و پیمان جمال سبحان
یکی از اصول اصلیه لا زمه مکمله مرحله پیشرفت و دوره ترقی و
تکامل روحانی انسان است که بوسیله مطالعه و مذاقه در تعالیم
بهیه بهائی قابل حصول است .

و با تخلّق به خلق کریم و سلوک در رهنهج قویم و زینت به آداب و

خصائل و فضائل رحمانی مندوجه در تعالیم مبارکه و صوم و صلاة و

تلاوت الواح و آیات مقدسه و دعا و مناجات و تمسک با اصول معنوی

و اخلاقی و تبلیغ امرالله و مشارکت در مجهودات اداری امری و تقدیم

تبرعات، تقویت و تزئید و تشدید می یابد و اینها تنها برجسته ترین

اعمال و نمایانترین روشهای سیرمراتب بلوغ و کمال در ثبوت و وفا بعهد اتمّ اَقَوْمِ رَبِّ متعال است. با اجراء این اعمال هر شخصی باید در سبیل تزئید معارف امری و بسط و ازدیاد آگاهی خود از اختیارات و اقتداراتیکه جمال اقدس الهی به مؤسّسات نخیمه و مشروعات امریه الهیه خویش اعطا فرموده، مستمرا ساعی و کوشا باشد.

(سطوت میثاق جزوه دوم ص ۶۱)

نقل به اختصار از مقاله "عهد و میثاق"

* * * * *

تقسیمات تاریخ امر مبارک

۱- کور - در آثار مبارکه کلمه کور برای یک دوره بسیار طولانی که امتدادش لا اقل پانصد هزار سال باشد، آمده است که در طی آن دوره‌هایی معین گشته که هر یک از این دوره‌ها متعلق بیکی از - مظاهر ظهور آینده است. گرچه این مظاهر ظهور از لحاظ افاضه یعنی فیض رساندن بعالم انسانی مستقل هستند و آنچه اراده - فرمایند انجام خواهند داد و هر حکمی که صلاح بدانند صادر خواهند فرمود، ولی از لحاظ اشتفاضه یعنی کسب فیض در ظلّ جمال مبارکند. مؤسّس این کور پانصد هزار ساله نفس حضرت بهاء الله جلّ ذکروه الاغلی است.

حضرت عبدالبهاء میفرماید: "... این ظهور اعظم مثلش آفتاب است و ظهورات سائره در احوار سابقه و لاحقته نجوم و اقمار.

مگر بعد از هار و اَحْقَاب که اقلّ از پانصد هزار سال نبوده و نباشد ...

نقل از ص ۱۱۶ توقیعات مبارکه ۱۰۹-۱۰۲

پس به نصّ قاطع الهی کور بهائی لا اقل پانصد هزار سال طول خواهد کشید. ولی در بهائی کمتر از هزار سال نیست. مدّت ادوار این کور اعظم نیز نامعلوم است. اولین دور این کور عظیم الهی در بهائی است.

۲- در بهائی - از کجا میدانیم که این دور که اولین دور کور پانصد هزار ساله است، لا اقل هزار سال طول می‌کشد؟

این معنی از آنجا بدست می‌آید که جمال مبارک در کتاب مستطاب اقدس و سائر الواح الهیه خویش بیانی باین مضمون میفرمایند که هر کس قبل از هزار سال ادعای مظهریت نماید یعنی بگوید من پیامبر الهی هستم دروغگو است. جمال مبارک در اشراقا میفرماید: "بگو ظهورات منتهی شد. هر نفسی قبل از اتمام الف سنه ادعا نماید هر که باشد و هر چه بیاورد باطل بوده و هوس است ..."

باز یارت مطالب فوق دانستیم که مدّت در بهائی لا اقل هزار سال است. نه آنکه فقط هزار سال است. زیرا در بیانات مبارکه میفرمایند که هر کس قبل از هزار سال تمام ادعائی کرد دروغگو است. اما فرموده‌اند در رأس هزار سال پیامبری ظاهر خواهد شد.

اما بَدایت یا ابتدای این دوازده زمانی شروع می شود؟ طبق نصّ مبارک حضرت ولّی امرالله: "... بَدایتش سنه ستین (یعنی سال ۱۲۶۰ هجری قمری یا ۱۸۴۴ میلادی) که بفرموده نفس مظهر ظهور مبدأ تاریخ بدیع است...". توفیق ۱۰۵

امتیاز این دور — بطوریکه حضرت ولّی مقدّس امرالله میفرمایند متعدد است که مهمترین آنها سه امتیاز است که فی الواقع اعظم امتیازات این دور مبارک است.

اولین امتیازش میثاق غلیظ و محکمی است که طلعات مقدّسه از بیابان اسم اعظم گرفته اند. (شرح آن در مبحث عهد و میثاق آمده است).

دومین امتیازش آنست که شروعش باد و ظهور مستقل الهی که بی در پی بفاصله نه سال اتفاق افتاد، آغاز گردید.

سومین امتیاز این دور اشرف اعظم بفرموده مبارک حضرت ولّی امرالله آنست که سرانجام سلطنت قاهره الهیه بر روی کره زمین مستقر خواهد شد و بفرموده حضرت مسیح ملکوت الهی بیاید. و حدّ عالم انسانی جاه عمل خواهد پوشید و علم صلح اعظم، صلح حقیقی و پایداری بر قطب عالم انراشته خواهد شد و مدنیّت الهی که نه بشرق و نه به غرب عالم تعلق دارد، بر روی کره زمین تأسیس خواهد یافت. در نتیجه تمام آرزوهای انسانی و تمام هدیه های انبیاء الهی که چندین هزار سال کوشیدند و تلاش کردند که خوبی

بر بدی غلبه تام یابد صورت واقع بخود خواهد گرفت.

تقسیمات دور بهائی — طبق نصوص مبارکه حضرت ولّی امرالله دور بهائی که اشرف و اعظم دور این کورپانصد هزارساله است به سه عصر رسولی، تکوین و ذهبی تقسیم می شود.

عصر رسولی — این عصر که بعصر رسولی، عصر جانبازی و فداکاری و شهامت و شهادت معروف است ابتدایش سنه ۱۸۴۴ میلادی و انتهایش سال ۱۹۲۱ میلادی می باشد.

در این عصر اتفاقات مهمه ای روی داد و مظهر ظهوری در پی ظاهر شد. یکی سینه اش هدف هفتصد و پنجاه گلوله واقع شد و دیگری مدّت قریب به چهل سال در تبعید و حبس بسر برد. بیست هزار نفر جان شیرین خود را عاشقانه تقدیم ساخت الهی و تأسیس مدنیّت لاشرقیه و لاغربیه الهیه و نجات عالم انسانی از تاریکی های دشمنی و بغضا نمودند.

عهد اول عصر رسولی — این عهد به عهد اعلی معروف و به هیکل اطهر حضرت نقطه اولی منتسب است مدتش ۹ سال، ابتدایش ظهور هیکل مبارک حضرت اعلی در سنه ۱۲۶۰ هجری قمری برابر با سال ۱۸۴۴ میلادی انتهایش نزول وحی الهی در سیاه چال طهران بر قلب مطهر حضرت بهاء الله در سنه ۱۸۵۳ میلادی است.

عهد دوم عصر رسولی — این عهد به عهد ابهی معروف و به هیکل اقدس حضرت بهاء الله منتسب است مدتش ۳۹ سال،

ابتدایش حلول سنه نه یعنی نزول وحی الهی در سیاه چال طهران و انتهایش صعود روح اعظم حضرت بهاء الله بملکوت الهی در سال ۱۸۹۲ میلادی است.

عهد سوم عصر رسولی یا عهد میثاق که منتسب بحضرت عبد البها است. مدتش ۲۹ سال، ابتدایش جلوس مبین منصوص بر کرسی خلافت عظمی در سال ۱۸۹۲ میلادی و انتهایش صعود آنحضرت بملکوت الهی در سال ۱۹۲۱ میلادی است.

لازم به ذکر است که حلول و انتقال عهدی بعهد دیگر بعلاوت حیثیت و کیفیت تقدّم و تعالی ذاتی آن ممکن است در نفعه واحده احداث نگردد. بلکه در طی برهه‌ای از زمان تحقق پذیرد. چنین است فی المثل نحوه آغاز عصر تکوین، از جمله صعود حضرت عبد البها و واقعه ایست که دلالت بر نهایت عصر رسولی و بدایت عصر تکوین مینماید و لکن حضرت ولی عزیز امرالله در ضمن یکی از توابع مبارکه خویش پایان عصر رسولی را متقارن با صعود حضرت ورقعلیا اُخت محبوب حضرت مولی الوری و دبعه عصریکه مشحون از جلالت و شهامت و بسالت است معین و موضح فرموده‌اند.

عصر تکوین - این عصر که به عصر انتقال و حلقه اتصال بین عصر رسولی و عصر ذهبی موصوف و موسوم است، عصر ظهور ابهی ثمره نظم بدیع جهان آرای الهی میباشد. ابتدایش جلوس و لایست امرالله حضرت شوقی ربّانی بر کرسی ولایت در سال ۱۹۲۱ و -

امتدادش در علم الهی مخزون و بر ما مجهول است. عصر تکوین دارای عهد متعدد است. حضرت ولی امرالله تجلی عهد مختلفه متتابعه‌ای را در عصر تکوین پیش بینی فرموده‌اند. میقات هر عهدی را مرکز ریاست و قیادت شریعه الهیه تعیین و اعلام مینماید.

عهد اول عصر تکوین از آغاز ولایت حضرت ولی امرالله است و انتهایش سال ۱۹۴۶ (بمدت بیست و پنج سال) راجع به اختتام عهد اول عصر تکوین حضرت ولی عزیز امرالله میقات آنرا نیما بین سالهای ۱۹۴۶ - ۱۹۴۴ مذکور و مرقوم فرموده‌اند.

عهد ثانی عصر تکوین از سال ۱۹۴۶ شروع و با تأسیس بیت العدل اعظم الهی در سال ۱۹۶۳ اختتام می‌یابد. (بمدت هفده سال)

عهد ثالث عصر تکوین از سال ۱۹۶۳ شروع شده است. عصر ذهبی :

عصر ذهبی یا عصر طلائی سومین عصر در ربهائی است که امرالهی بتمامه بر کره زمین مستقر میگردد و ملکوت الهی در زمین تأسیس می‌شود و بفرموده حضرت ولی امرالله تأسیس مد نیت الهیه در عصر ذهبی در ور اعز انخم خواهد بود.

عصر ذهبی خود فی حد ذاته منقسم باقسام و عهد متتالیه خواهد بود که متناوباً متسللاً در عالم امکان لائح و عیان خواهد بود. (*) توضیح مربوط به بعد از آن را در جزوه جداگانه مطالعه خواهید کرد.

گشت . ابتدا و انتهای عصر ذهبی در علم الهی مخزون است .
اقتباس از کتاب نظم اداری طرح مکاتبه‌ای - مقاله عهد
مختلفه عصر تکوین

* * * * *

معرفی آثار مبارکه حضرت ولی امرالله

آثار مبارکه حضرت ولی امرالله که در مدت سی و شش سال -
دوره ولایت هیکل مبارک عزّ صدور یافته و عالم بهائی را بوسیله آن
آثار گرانقدر در دوران اولیه عصر تکوین هدایت و اهل بها را -
بوظائف اساسیه خویش آشنا کرده است ، به سه زبان فارسی ، عربی
و انگلیسی صادر شده که در این محبت تحت عنوان آثار فارسی و
انگلیسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد .

۱ - آثار مبارکه فارسی صادره از قلم حضرت ولی امرالله :

الواح و تواقیع متعالیه حضرتش بزبان فارسی خطاب به محفل
مقدس روحانی ملی بهائیان ایران و محفل روحانی طهران و سایر
محافل روحانیه و مراکز امریه ، همچنین در جواب سوالات افراد
احبابقدری موجود است ، که اگر جمع گردد آید ، چند جلد کتاب از آن
مهیامی گردد که فرصت احصای آنها برای ثبت در این مقاله ممکن
نیست . لهذا به معرفی شش توقیع فارسی از تواقیع مبارک می‌پردازیم .

الف : لوح مبارک قرن

" در نوروز سال ۱۰۱ بدیع توقیعی از کلک اطهر صادر شد که

در بین احباب بلوح قرن معروف شده است . زیرا صد و راین لوح منبع
مصادف با دورانی بود که یک قرن از ظهور مبارک حضرت ربّ اعلی
جَلَّ ذِکْرُهُ وُثْنَانُهُ سپری شده بود . در این لوح مقدّس هیکل مبارک
وقایع مهمّه عالم امر را که در طول یک قرن به وقوع پیوسته است ، باجمال
بیان فرموده‌اند . پس از حمد و ثنای الهی و ذکر محامد و نعوت و
القاب فخریه سماویّه مظهر امرالله بظهور حضرت ربّ اعلی جَلَّ
ذِکْرُهُ اشاره فرموده ، و مسائل مهمّه تشکیل حروف حتی ، مأموریت هر
یک از آنان و توجه هیکل مبارک بنگه و مراجعت بشیراز و سفر
اصفهان و آذربایجان و گرفتاری در قلعه ماکو و چهریق و حضور
هیکل مبارک در محضر ولیعهد در تبریز و بالاخره شهادت آن -
حضرت و قیام اصحاب بنشر امرالله و شهادت شهداء و قیام جمال
قدم برای احیای اهل عالم و مصائب وارده بر هیکل اقدس جمال
مبارک از ناحیه مخالفین داخلی و خارجی و واقعه زخمی شاه و -
محبوس شدن هیکل اطهر در سیاه چال و نفی بیفداد و سفر
سلیمانیه و مراجعت بیفداد و اظهار امر در باغ رضوان و نفی به
اسلامبول و ادرنه و قیام یحیی ازل و پیروانش بعناد و ظلم شدید و
محبوس شدن جمال قدم باعائله و همراهان در عکا و نزول کتاب
اقدس و کتاب عهدی والواح ملوک و سایر وقایع همه را اشاره فرموده‌اند
و بعد از آن بد ذکر قیام طلعت میثاق الهی حضرت عبدالبهاء
عصن اعظم بنشر تعالیم الهیه پرداخته‌اند و مصائب وارده بر هیکل

اقدس را از هرجهت و سفرهای تاریخی تبلیغی مبارک را ذکر فرموده‌اند و در ضمن بذلت و خُسران و وُبال و عاقبت و خیم اعداء و اهل ضلال هم در هردو راهی اشاره کرده‌اند و پس از آن بوسعت دایره امرالله و اهمیت تشکیلات امریه و پیشرفت شریعت ربّانیه در جمیع جهان تصریح فرموده‌اند.

ب - توقیع مبارک سنه ۱۰۵ :

"این لوح مبارک در سنه ۱۰۵ بدیع نازل شده و شامل اشاره بوقایع مهمه امریه و تشریح اصطلاحات خاصه کور و دور و عصر و عهد و ذکر دورکن اعظم نظم بدیع الهی و پیشرفت امرالله در شرق و غرب عالم و سایر مطالب است."

ج - توقیع مبارک سنه ۱۰۸

این توقیع مبارک شامل وقایع مهمه تاریخیه امرالله و بنای مقام مقدّس اعلی در کوه کرمل و عظمت آن بنای مهم تاریخی و پیشرفت امرالله در جهان و اقدامات مخالفین و معاندین داخلی و خارجی علیه امرالله و خبیثت و خسران آنان و سایر مطالب مهمه است :

د - توقیع مبارک سنه ۱۱۰

"این توقیع منیع شامل مطالب مهمه امریه و حاوی اهداف بیست و هشتگانه نقشه بدیعه ده ساله است."

ذ - توقیع مبارک سنه ۱۱۱

"در این توقیع مبارک هم برگزارشدن عید مثنوی ثانی اهل بها

را که با شکوه و جلال تحقق یافت ذکر فرموده‌اند و چهارکنفرانس را که حسب الامر مبارک تحقق یافت بیان کرده‌اند و پیشرفت امرالله را در قارات خمسّه عالم ذکر فرموده‌اند و در خاتمه شمعین توقیع است که اجازه فرمودند امام الرّحمن ایران بعضویت محافل روحانیه محلی و محفل ملی نائل شوند و جمیع احبّاء را بقرب و عود حتمیه الهیه مستبشر فرموده و بادامه خدمات و تزئید جهد و کوشش توصیه میفرمایند.

ر - توقیع مبارک سنه ۱۱۳

"این لوح مبارک بعد از وقایع عجیبه مدّ هسه‌ای که برای احبّای الهی در مهد امرالله پیش آمد کرد نازل شد و در آن بجمیع وقایع مهمه و مصائب وارد بر احبّاء در سال ۱۳۳۴ ه. ش اشاره فرموده برای مطالعه هرچه دقیق تر این توقیع مبارک قاموسهائی توسط فاضل جلیل جناب اشراق خاوری تألیف شده است از جمله : دو جلد کتاب رحیق مختوم : قاموس لوح قرن توقیع ۱۰۱ بدیع که شرح آن گذشت.

اسرار ربّانی : قاموس توقیع ۱۰۵ - ۱۰۸ - ۱۱۰ - ۱۱۱ - ۱۱۳

منابع مورد استناد : مقاله آهنگ بدیع شماره مخصوص - جزوه

شرح حیات حضرت ولی امرالله

سادگی ازدواج حضرت ولّی امرالله

"جز پدر و مادر هیچکس مبارک و د و خواهر و برادرشان و پدر و مادر این کمینه احدی دیگر خبرند داشت. بی نهایت سعی فرمودند که این مسأله بانهایت سکوت و آرامی بگذرد. زیرا می دانستند که چقدر این قبیل مسائل ممکن است سبب مشاکل گردد. خادمین و باغبانها خیلی تعجب کردند وقتی که هیکل مبارک بهمراهی این کمینه بعد از ظهر ۲۵ مارچ ۱۹۳۷ اتومبیل سوار شده برای زیارت بهجی عازم شدند. خوب بیاد دارم که لباس سیاه و یک کت سفید روی آن پوشیده بودم. با آنکه از غرب بودم میل مبارک این بود که خود را مناسب حیات بیت مبارک سازم و چون آرزوی دیگر جز اطاعت او امر مبارک نداشتم براحتهی هرچه فرمودند انجام دادم. همینکه داخل روضه مبارکه شدیم فرمودند انگشتی را بدید (این انگشتی را حضرت ورقه علیا بایشان داده بودند و ایشان این حلقه را خیلی دوست داشتند) من که تا آنوقت انگشتی مبارک را زینت سینه خود داشتم آنرا از گردن درآورده تقدیم کردم و با دست خودشان آنرا در دست راست من گذاردند و این تنها کاری بود که انجام و مراسم ازدواج به همین جا خاتمه یافت. بعد داخل ضریح مقدس مظهر ظهور الهی شده و از ظرفی نقره ای - گلپای خشک آن مقام مبارک را در دستمالی پر کرده برداشتند بعد

از تلاوت زیارتنامه مراجعت به حیفا کردیم و مستقیم با طاق حضرت ورقه مبارکه علیا رفتیم و آنجا بود که عقد صورت گرفت.

نقل از گوهریکتا ص ۲۲۵ بقلم حضرت حرم

"این تمام جریان عروسی و ازدواج ما بود و چند دقیقه ای پیش اعضای فامیل مبارک بودیم. ایشان با پدر و مادر من مثل شبهای دیگر بعد از شام نشستند و خیلی ساده بود. نه لباسی نه گلی نه تشریفات نه آدابی... این نشان می دهد که امر مبارک ساده است." کتاب گوهریکتا (نقل از نشریه ۱۶ قدیم)

* * * * *

درس ششم عربی :

نَوَاسِخ

قبلا" با جمله اسمیه و ارکان آن که مبتدا و خبر بود آشنا شدیم. و گفتیم جمله اسمیه جملیه ایست که با اسم شروع شده باشد.

مانند : **اللَّهُ عَلِيمٌ** — **عَلَيْهِ ذَهَبَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ**

حال به مطالعه مطالبی لازم در خصوص مبتدا و خبر که ارکان جمله اسمیه هستند می پردازیم.

الف - ویژگیهای مبتدا و خبر

۱ - معمولا" مبتدا "معرفه" و خبر "نكرة" است: **اللَّهُ عَادِلٌ**

۲ - غالبا" مبتدا "مقدم" و خبر "مؤخر" است: **زَيْدٌ عَالِمٌ**

۳ - همیشه مبتدا و خبر مرفوعند - و مثال بالا

ب - اقسام خبر - خبر به صورتهای گوناگون میآید .

۱ - خبر گاهی بصورت مفرد میآید **سَعِيدٌ عَالِمٌ**

۲ - گاهی بصورت جمله :

جمله اسمیه : **سَعِيدٌ أَخُوهُ عَالِمٌ** (برادرسعید، عالم است).

جمله فعلیه : **سَعِيدٌ ذَهَبَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ**

۳ - خبر گاهی بصورت شبه جمله میآید مانند :

جار و مجرور : **سَعِيدٌ فِي الْمَدْرَسَةِ**

ظرف (۱) : **سَعِيدٌ تَحْتَ الشَّجَرَةِ**

ج - موارد یکه واجب است خبر بر مبتدا مقدم شود .

۱ - اگر خبر "جار و مجرور" یا "ظرف" و مبتدا "نکره" باشد

مانند : **فِي الدَّارِ رَجُلٌ**

(فِي الدَّارِ = جار و مجرور ، **خَبَرٌ مُقَدَّمٌ** ، محلاً "مرفوع" -

رَجُلٌ = اسم نکره ، مبتدا ای مؤخر ، مرفوع به ضمه آخرش)

تَحْتَ الشَّجَرَةِ رَجُلٌ

(**تَحْتَ الشَّجَرَةِ** = مضاف و مضاف الیه ، ظرف ، خبرمقدم ،

محلاً "مرفوع" می باشد چون شبه جمله

است و همه شبه جملهها مبنی اند)

(**رَجُلٌ** = اسم نکره ، مبتدا ای مؤخر ، مرفوع به ضمه آخرش)

۲ - اگر خبر از اسماء استفهام باشد مانند :

كَيْفَ خَالِكٌ (حالت چطوراست ؟)

(**كَيْفَ** : اسم استفهام و مبنی ، خبرمقدم و محلاً "مرفوع"

خَالِكٌ : مضاف و مضاف الیه مبتدا ای مؤخر و مرفوع به ضمه

آخِرِ حَالٍ)

در اصل بوده : **خَالِكٌ كَيْفًا** .

پس از این مقدمات به نواسخ می پردازیم یعنی کلماتی که بر سر

مبتدا و خبر درآمده اعراب آنها را که قبلاً "هر دو مرفوع بوده لغو و

باطل می کنند و اعراب جدید به آنها می دهند .

نواسخ عبارتند از : افعال ناقصه - افعال مُقَارَبَه - حروف مُشَبَّهة

بَلَيْسَ - حروف مُشَبَّهة بِالْفِعْلِ - لَأَنفِي جِنْسٍ

افعال ناقصه

افعال ناقصه چون بر سر مبتدا و خبر درآیند ، مبتدا را رفع

و خبر را نصب میدهند در این صورت مبتدا "اسم" آنها و خبر

"خبر" آنها نامیده میشود .

اللَّهُ عَلِيمٌ

كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا ترکیب : **كَانَ** : از افعال ناقصه

اللَّهُ : اسم **كَانَ** ، مرفوع و علامت

رفعش ضمه آخر آن است .

عَلِيمًا : خبر **كَانَ** ، منصوب

افعال ناقصه ۱۳ فعل هستند که معروفترین آنها عبارتند از:
 كَان (بود) - صَارَ (شد) - لَيْسَ (نیست) - مَا دَامَ (همیشه)،
 پیوسته بود) .

صَارَ الْعَيْنُ حُلُوًّا (انگور شیرین شد)

لَيْسَ زَيْدٌ مَرِيضًا (زید بیمار نیست)

گاهی اسم این افعال ضمیر مستتر در خود فعل است مانند:

زَيْدٌ كَانَ غَادِلًا ترکیب: زَيْدٌ مبتدا و مرفوع

كَانَ: از افعال ناقصه، ضمیر

مستتر در آن یعنی

(هُوَ): اسم آن، محلاً

مرفوع

غَادِلًا: خبرِ كَانٍ، منصوب

افعال مقاربه*

افعالی هستند که بر سر مبتدا و خبر درآمده و مانند افعال ناقصه اسم را رفع و خبر را نصب میدهند و معروفترین آنها عبارتند از:

كَادَ - أَوْشَكَ (نزدیک شد)

معمولاً "خبر این افعال، فعل مضارع" است مانند:

كَادَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ

از افعال مقاربه اسم خبر (جمله فعلیه) محلاً منصوب

سبب اینکه این افعال را مقاربه نامیده‌اند اینست که بعضی از آنها همچون نمونه‌های بالا، بر نزدیکی وقوع فعل دلالت دارند.
حروف مشبّهة بِلَيْسَ*

سه حرف (مَا - لَا - إِنْ) هر سه بمعنی نیست چون بر سر مبتدا و خبر درآیند مانند افعال ناقصه "رفع به اسم و نصب به خبر" میدهند مانند:

مَا اللَّهُ ظَالِمًا (خدا ظالم نیست)

لَا فَارِسٌ جَبَانًا (اسب سوار، ترسو نیست)

إِنْ هَذَا بَشَرًا (این بشر نیست)

ترکیب: (إِنْ) = از حروف مشبّهة بِلَيْسَ - هَذَا = اسم إِنْ (محلاً)

مرفوع چون مبنی است - بشرًا = خبر إِنْ، منصوب به

فتحه آخرش

چون این حروف از نظر عمل و معنی شبیه لَيْسَ هستند آنها را -
مُشَبَّهةٌ بِلَيْسَ نامیده‌اند .

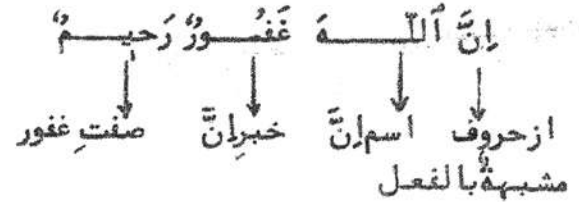
حروف مشبّهة بِالْفِعْلِ:

همانطوریکه قبلاً نیز مطالعه شد حروف مشبّهة بِالْفِعْلِ حروفی هستند که بر سر مبتدا و خبر درآمده و به عکس افعال ناقصه، نصب به اسم و رفع به خبر میدهند .

این حروف عبارتند از:

إِنَّ (همانا، بد رستیکه) — أَنْ (همانا، بد رستیکه) — كَأَنَّ (گویا، مثل اینکه) — كَيْتَ (ای کاش) — لَكِنَّ (ولیکن) — لَعَلَّ (شاید امید است)

مانند :



كَأَنَّ سَعِيداً عَالِماً (مثل اینکه سعید عالم است)
كَيْتَ الشَّبَابِ يَعُودُ (ای کاش جوانی برمیگشت)

ممکن است اسم مبنی اسم حروف مشبّهة بالفعل واقع شود و در این صورت محلاً منصوب است.

إِنَّهُ عَالِمٌ (إِنَّ : از حروف مشبّهة بالفعل — هُ : اسمِ إِنَّ، محلاً منصوب — عَالِمٌ : خبرِ إِنَّ، مرفوع)

لَا نفي جنس

لَا نفي جنس که به "هیچ نیست" ترجمه میشود مانند حروف مشبّهة بالفعل عمل می کند یعنی نصب با اسم می دهد و رفع بخبر مانند :

لَا رَجُلٌ فِي الدَّارِ (هیچ مردی (نفي جنس مرد) در خانه نیست).

ترکیب : (لَا : حرفی است که نفي جنس میکند — رَجُلٌ : اسمِ لَا — فِي الدَّارِ : خبرِ لَا، محلاً مرفوع)

لَا دِينَ لِمَنْ لَاعَقَلَ لَهُ (دین ندارد، آنکه عقل ندارد)
لَا مَعَادَ لَهُ (هیچ بازگشتی برای او نیست)
ترکیب : (مَعَادٌ : اسمِ لَا — لَهُ : خبرِ لَا)

اگر بعد از "لا" حرف "إِلَّا" بیاید خبرش حذف میشود مانند :
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ که اصل آن لَا إِلَهَ (مَوْجُودٌ) إِلَّا اللَّهُ بوده است.
تمرین :

۱ — جملات زیر را بدقت ترکیب کنید :

مثال : إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

(إِنَّ : از حروف مشبّهة بالفعل — اللَّهُ : اسمِ إِنَّ منصوب — بَصِيرٌ : خبرِ إِنَّ مرفوع — بِالْعِبَادِ — جار و مجرور)

النَّجَاةُ فِي الصَّدَقِ (نجابت در راستی است)

كَأَدَّ الْعَدُوُّ أَنْ يَنْهَزِمَ (نزدیک است دشمنان پراکنده شوند)

وَفِي كُلِّ شَيْءٍ لَهُ آيَةٌ (در هر چیزی برای او نشانه ایست)

هَذَا رَجُلٌ يَتَكَلَّمُ بِالْعَرَبِيَّةِ (این مرد است که بعربی صحبت میکند)

الْعُلَمَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ (علماء وراثت انبیاء هستند)

لَا رَاحَةَ لِحَسُودٍ (هیچ راحتی نیست برای حسود)

إِنَّ فِي الْعَجَلَةِ النَّدَامَةَ (همانا در عجله پشیمانی است)

فِي الْعَجَلَةِ النَّدَامَةُ (در عجله پشیمانی است)

لَا كَنْزَ أَنْفَعُ مِنَ الْعِلْمِ (هیچ گنجی نافع تر از علم نیست)

۲ - در جملات زیر کلماتی را که اعراب ندارند، اعراب زده و علت

آنها مشخص کنید .

— قُلْ تَاللَّهِ الْحَقُّ إِنَّ الطُّورَ يَطُوفُ حَوْلَ مَطْلَعِ الظُّهُورِ وَالسُّورِ

یُنَادِي مِنَ الْمَلَكُوتِ .

بگو قسم بخدا اوند حق، همانا طور طواف میکند حول مطلع ظهیر

و روح ندا میکند از ملکوت

— إِنَّ الْحَرِيَّةَ تَخْرُجُ الْإِنْسَانَ عَنِ شُؤْنِ الْأَدَبِ وَالْوُقَارِ .

همانا آزادی خارج میکند انسان را از شأن ادب و وقار

— أَدْرَكَ مَنْ كَانَ أَكْثَرَ مِنْكَ (یاد آور کسی را که بود بزرگتر از تو)

— لَيْسَ الْبَلِيَّةُ سِجْنِي وَمَا وَرَدَ عَلَيَّ مِنْ أَهْدَابِي .

نیست بلای من زندان من و آنچه وارد شد از دشمنان من بر من .

— إِنَّكَ كُنْتَ شَرِيكًا مَعَنَا فِي مُصَائِبِنَا (همانا بودی توشریک با

ما در مصائب ما)

— إِنْ فَرِحَ بِسُرُورِ قَلْبِكَ لَتَكُونَ قَابِلًا لِلِقَائِي وَمِرَّةً لِحِمَائِي .

شاد شو بسرور قلبت برای اینکه باشی قابل لقای من و آینه‌ای
برای جمال من .

— لَا تَنْفَسْ بِخَطَاةٍ أَحَدٍ مَا دُمْتَ خَاطِئًا وَإِنْ تَفَعَّلَ بِغَيْرِ ذَلِكَ

مَلْعُونٌ أَنْتَ وَ أَنَا شَاهِدٌ بِذَلِكَ .

دم من بخطای کسی مادامیکه خود خطاکاری و اگر عمل کنی

غیر از آن ملعون هستی تو و من شاهدم به آن .

— الْمُحِبُّ الصَّادِقُ يَرْجُو الْبَلَاءَ كَرَجَاءِ الْعَاصِي إِلَى الْمَغْفِرَةِ .

محب صادق رجاء میکند بلا را مانند رجای عاصی، بخشش

گناهان را .

— لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ .

هیچ قدرت و قوتی نیست مگر بخدا اوند

— إِنْ يَنْصِرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ .

اگر یاری کند شما را خدا اوند پس هیچ غلبه کننده‌ای بر شما

نیست .

* از هفت هائی که دارای علامت * میباشد امتحان ارزشیابی

بعمل نمی‌آید .

آیات هُدٰی : آثار مبارکه که موجب هدایت میگردد

اِنْتِصَارَات : فتوحات — موفقیت ها .

اَشْوَاق : میل ها — رَغَبَت ها — شوق ها — آرزومند بیه (مفرد) : شو (ق)

اَعْظَم : بزرگان — بزرگتران (مفرد : اعظم) .

اَنَام : مردم — خَلَق .

ایده آل : Ideal غایت مطلوب ، هدف دلخواه

اِرْضَاء : راضی کردن — خشنود کردن .

اِنْتِبَاق : مطابقت یافتن از حیث زمان ، فکر ، معنی .

اِنشِقَاق : شکافته شدن — اختلاف وجدائی و دشمنی شدن —

ظاهر شدن نجر .

اِنْفِکَاک : ازهم جدا شدن — باز شدن .

اِحْتِمَالَت ، اِحْتِمَال : تصور امکان امگرید و ناطمینان بوقوعش — شک

داشتن نسبت به وقوع کاری — برد باری — تحمّل .

از اوّل ابد اِی تا یَوْمِنَا هَذَا : از آغاز پیدایش عالم تا امروز که زمان

ما است .

اِخْتِیَارِ عَمِیْم : اختیار عمومی و همگانی .

اَفْخَم : بزرگتر (بن) — عالی تر (بن) — با عظمت تر (بن)

اِسْتِنْبَاطَات : اِسْتِنْبَاط : معنی و مفهیم را فهمیدن — درک کردن

اَوْرَاق : برگها — مفرد آن رَقَق : برگد رخت ، برگ کاغذ ، (ج : رَوَقَات)

اَهْلِ ضَلَال : اهل باطل — مردم منحرف از حق و راستی — مردم

گمراه .

اَعَزَّ : گرامی تر (بن) — عزیزتر (بن) .

بَعِیْدُ الْوَقُوع : دور از تحقق یافتن — دور از حاصل شدن .

بُطْلَان : باطل شدن — هد رفتن .

بِدَعَت : عقیده نر و تازه آوردن

تَقَرُّر : قرار یافتن — ثابت شدن — ثبات و قرار .

تَفَضُّلاً " : از روی مرحمت و بخشش کاری کردن .

تَمَادِنَا " — تَمَادِن : بر حسب اتفاق باهم روبرو و مقابل شدن .

تَوَسُّع : وسیع و فراخ بودن یا گشتن — بر عطا و بخشش افزودن .

تَمَلُّق : برخلاف حقیقت اظهار ارادت کردن .

تَقْلِیْبِ مَاهِیَّت : وارونه کردن حقیقت .

تَشْرِیْکِ سَاعِی : در موارد سعی و کوشش با یکدیگر شرکت کردن ،

همکاری نمودن .

تَسْخِیر : سُلْطَر غالب شدن — رام و مطیع نمودن — تحت اختیار

خویش در آوردن .

جُنُودِ مُجَنَّدَةِ الهیَّة : لشکریان به صف آراسته خداوند — سربازان

منظم حق .

- حَامِي : حمايت کننده — پشتيبان .
 حِرْمَان : نااميدى — محروميت .
 دِرَايَت : دانستن — دريافتن — آگاهى داشتن .
 ذَلَّت : خوار و ذليل گرديدن .
 بُعِ حَوَائِج : برطرف كردن نيازها و احتياجيات .
 رَاغِب : خواهان — متمايل — اسم فاعل رغبت : بكارى ميل داشتن .
 سَلِيس : روان — بدون پيچيدگى در لفظ و معنى — سلاست :
 روانى .
 شَقِي : پاره كردن — شكافتن — متفرق ساختن .
 ضَرُورَةٌ — ضرورت : حاجت — نياز .
 عِنْدَ الْعُمُومِ : نزد همه .
 عَتَبَةٌ : درگاه — آستان — آستانه .
 غَيْرِ مَرِيئَةٍ : ناديدنى .
 غَلِيظٌ : مؤهِّد — مُشَدِّد .
 مُرَادِيٌ : به تنهائى — مُفْرَدًا — يکايک — يکى بعد از ديگرى
 (مُرَادِيٌ جمع مُرَدِ نيز مى باشد .)
 فَخِيهَةٌ — تَخِيْمٌ : درنارسى با معنای عاليقدر و بزرگوار .
 قُعُودٌ : نشستن — نشانيدن — از كارى باز ماندن .
 قَوَاعِدٌ : مفرد آن قاعده : اساس و پايه — بنياد — اصل — قانون
 قِيَاسَاتٌ — قِيَاسٌ : دو و چيز را با هم سنجيدن — دو چيز را

- نسبت به هم اندازه گرفتن .
 كَلِكِ اَطْهَرٌ : تاز بياک و پاکيزه .
 كَمِيْنَةٌ : بيمقدار — كمترين (شخص براى تواضع در مورد خود بكار
 مى برد)
 لَا يَذْرُكُ : درك ناشدنى .
 لَا رَيْبِيَهَ : بدون شك — مطمئن — بدون ترديد .
 لَا حِقَقَهَ : آينده — از بعد آينده و رسنده .
 لَا رَابِعَ لَهُ : چهارمى براى او نيست — همين سه تا است .
 مُلْتَدٌّ : لذت برده — لذت برنده .
 مُؤَدَّوَعٌ : به وديعه نهاده شده — ترك شده .
 مُؤَدَّعَةٌ : به امانت گذاشته شده — محفوظ .
 مُتَوَطَّنٌ : وطن گيرنده — وطن گرفته .
 مُهْلِكٌ : هلاک کننده — کُشنده .
 مُتَتَابِعٌ : پشت سرهم — پي در پي — متوالى .
 مُمَرَّدٌ : صاف — صيقلى — نرم .
 مُرَوِّجٌ : رواج دهنده — ترويج کننده .
 مُصَدِّقٌ : تصديق کننده — اعتراف کننده به صدق و صحت امرى .
 مُخَاصَمَاتٌ — مُخَاصَمَةٌ : نزاع كردن با يکديگر — مجادله كردن .
 مِثْوِيٌ : منسوب به صد — صدى — صد ساله بمناسبت يكصد مين
 (سال).

مَعَهْدِ اَعْلَى : نام دیگریست العدل اعظم الهی است .
 مُنْطِقِيَه — منطق : سخن — کلام — علم تشخیص حقیقت از
 خطا، یا علم استنتاج صحیح .
 مَعْلُول : اثر عِلَّت — نتیجه عِلَّت — برآثر — آنچه که از علت بوجود
 آید یا ناشی گردد . مثلاً میگوئیم : بعضی از بیماریها
 معلول بی احتیاطی در غذا خوردن است — علیل ، رنجور ،
 صدمه دیده .

مُسِن : پیر — سالخورده .

مُنْتَفِي : از بین رونده — برطرف شونده .

مُحْيِي رِمَم : زنده کننده استخوانهای پوسیده .

مِنْ دُونِ تَأْوِيل : بدون تفسیر .

مَرْجِعِيَّت : مقامی که مسوول پاسخگوئی و رجوع است .

مَوَاطِيق : جمع میثاق — پیمان ها — واردی که قرارداد بسته شده

مَفْوُض : واگذار شده — سپرده شده .

مِثَاق : عهد و پیمان — قرارداد محکم و استوار (جمع : مَوَاطِيق)

مَلِيك : فرمانفرما — صاحب مُلْك — مالک — پادشاه .

مُنْقَسِم : تقسیم شده .

مُتَالِيَه — مُتَالِي : مُتَوَالِي — مُتَتَابِع — بدنبال یکدیگر

آینده .

مُغْفِرَت : آمرزش — بخشودن و عفو کردن گناه .

نِطاق : حدود — دائره .

ناسوت : جهان انسانی — ایضا "به عالم امکان یا عالم اجسام

یا عالم شهادة (دیده شدنی) اطلاق میشود

وَلَايَات : جمع وِلَايَت : شهرستان .

يِرْلِيغِ بَلِيغ : فرمان نصیح و رسا — يِرْلِيغ : فرمان — دستور (این

کلمه مغولی یا ترکی است)

* * * *

اعلام جزوه ۳۶

اسکیمو : نام اقوام و طوایفی است که در شبه جزیره ای واقع

در انتهای شمالی آمریکا و موسوم به گروئنلاند و نیز در جزائر

اطراف قطب شمالی و شبه جزیره آلاسکا در قطعه لابرادور و

نواحی بین خلیج هودسن و تنگه برنگ و دیگر نقاط همجوار با

آن مواضع مسکن دارند هر یک از این اقوام و طوایف مختلفه را

اسمی مخصوص است و کلمه اسکیمو در بین خود آنها معروف نیست

بلکه همسایگان یعنی بومیان راهالی اصلیه آمریکای شمالی کلیه

آنان را "اسکیمو" (یعنی : گوشت خام خواران) نامیده اند زبان

های مختلفی بین اقوام رایج است که به یکدیگر شباهت دارد . از

حیث شکل و سیما قد آنان، کوتاه، رنگ، آسمر، چشمان و موها،

سیاه، ریش، تنگ، استخوان گونه ها برآمده، بینی، بسیار کوچک و

پهن، حدقه چشم، گرد، و پیشانی تنگ می باشد. معمولاً نیم تنه و شلوار مانند‌ی از پوست سگ آبی می پوشند و از همین پوست چکمه می‌دوزند. محل زندگی آنان دائماً از برف و یخ مستور است گاهی مسکنی در خاک بنا می‌کنند و گاهی هم نوعی کلبه‌های برفی بوجود می‌آورند و از پوست سگ آبی آنجا را فرش می‌کنند. عمده ماهه زندگی آنان ماهی است. در میان یخ‌ها روزها راه انتظار صید بسم می‌برند. در صید ماهی و شکار بسیار ماهرند و طاقت چند روز گرسنگی را نیز دارند. در بند تهیه و ذخیره آذوقه برای آتیه نیستند اخلاقاً "مردمانی حلیم و سلیمند و هیچ نوع حکومت و رئیس و مؤسسه در میان آنان نیست و با این وصف جنگ وجدالی در میان آنها دیده نمی‌شود و کاری به کار دیگران هم ندارند و آئین آنان عبارت است از اعتقاد به جن و سحر و رئیس روحانی را "کفو" نامند که مدعی اخبار از غیب به‌الهام می‌باشد.

دهخدا

آلاسکا: نام شبه جزیره‌ای در شمال غربی آمریکای شمالی متعلق به دولت متحده آمریکا شمالی.

دهخدا

انگلستان: این کشور که شامل انگلیس - ویلز - اسکاتلند و چند جزیره در بریتیش چانل می‌باشد دارای ۲۴۴/۷۶۰ کیلومتر مساحت است حکومت آن سلطنتی مشروطه است و دارای دو مجلس

عوام و اعیان است که مجلس عوام آن ۶۳۰ نماینده دارد. انگلیسی‌ها از اخلاف انگلها و ساکسونها هستند و بعد از پیروزی بر اسپانیا در نبرد معروف به "آرمادای بزرگ" در جرگه ملل بزرگ قرار گرفتند هوای انگلستان اغلب به آلود و ابری است و میزان باران - آن ۱۰۲ سانتی متر در سال می‌باشد پایتخت انگلستان لندن و واحد پولش لیره استرلینگ است. گنجینه فرهنگ و علوم

بخارست: پایتخت رومانی. . . . شهری صنعتی و تجاری است در سال ۱۷۶۹ به تصرف ترکان درآمد سپس چند بار به دست اطریشیها و روسها و آلمانیها فتح شد. دهخدا

زلاند نو: قسمت اصلی کشور را دو جزیره جنوبی و شمالی تشکیل داده. . . . در جنوب شرقی استرالیا واقع گردیده است. . . . حکومت آن فرمانداری کل است که فرماندار توسط پادشاه انگلستان تعیین می‌شود. ۸۰٪ جمعیت کشور را مهاجرین انگلیسی تشکیل می‌دهند و ۱۰٪ بومی (از قوم مائوری) می‌باشند اکثریت مردم آن مسیحی و تعداد کمی نیز بت پرست هستند زبان رسمی آن انگلیسی و پایتخت آن ولینگتون است. . . .

اطلس گیتاشناسی

شرق آدنئی (خاور نزدیک)

نام ناحیتی است بشرق مدیترانه که بیشتر کشورهای آسیای جنوب غربی را در بردارد این ناحیه شامل ممالک سوریه و ترکیه

و لبنان و اسرائیل و اردن و عربستان سعودی است گاهی از -
 اوقات بالکان و مصر را در جزو خاور نزدیک می آورند و این ^{سبب} بهمنای
 وقوع این کشورها در مشرق ممالک غربی اروپا و نزدیک آنها با این
 ممالک است از دیگر ممالک آسیائی (دهخدا)

فرانکلین دِ لانو روزولت (تولد ۱۸۸۲ و فوت ۱۹۴۴) سه بار به
 ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا انتخاب شد و رویهمرفته
 بیش از دوازده سال این سمت را به عهده داشت در این مدت
 در سازمان اجتماعی و سیاسی آمریکا تغییرات بزرگی وارد سا^{خت}
 دوران حکومت او دوران تحول فکری آمریکا محسوب می شود . . .
 در نخستین دوره ریاست جمهوری روزولت، حکومت روسیه شوروی
 از طرف آمریکا به رسمیت شناخته شد و در دوره دوم ریاست
 جمهوری وی، آمریکا وارد جنگ جهانی دوم شد. روزولت در هفت
 پیش از پایان جنگ و تسلیم قطعی آلمان درگذشت.

دهخدا

ماوراء بحار: (به معنی آنسوی دریاها) این کلمه به سرزمینها
 اطلاق می شود که در آن سوی اقیانوس اطلس و دریاها پراکنده
 می باشند .

دهخدا

هونولولو: پایتخت مَجْمَعُ الْجَزَائِرِ هاوایی در اقیانوس کبیرک
 دارای مناظر طبیعی و زیباست.

دهخدا